

بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و اثرات آن در جذب سرمایه‌گذاری خارجی

جعفر قامت

عضو هیات علمی و استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی دانشکده علوم سیاسی واحد تهران مرکزی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۳/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۲/۱۲

چکیده

هدف این مقاله بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و اثرات آن در جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. در این مقاله سعی در بررسی این امر داریم که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره‌های مختلف چه تاثیری بر جذب و میزان سرمایه‌گذاری خارجی در کشور داشته است؟ به نظر می‌رسد بین دیپلماسی و میزان جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کشور رابطه مستقیم وجود داشته است. به نظر می‌رسد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب به دلیل ایدئولوژیک بودن و تنش‌زایی باعث کاهش جذب سرمایه‌گذاری خارجی شده است. در این پژوهش با مطالعه عملکرد سیاست سرمایه‌گذاری خارجی در ایران در دوره‌های مختلف و بررسی مستندات موجود در زمینه آمارهای جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کشور به بررسی تاثیر سیاست خارجی در جذب سرمایه‌های خارجی وارده به کشورمان پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: سیاست خارجی، سرمایه‌گذاری خارجی، منافع ملی، هدف‌های سیاست خارجی، ایدئولوژی.

مقدمه

تجربیات اقتصاد ایران طی سه دهه اخیر بیانگر این واقعیت است که با وجود انجام برخی تحولات مثبت زیربنایی و ساختاری در اقتصاد کشور طی برنامه‌های توسعه، هنوز کشور ما تا رسیدن به مرز اشباع در به کارگیری همه امکانات سرمایه‌ای خود راهی بس طولانی را پیش رو دارد. درآمدهای ارزی کشور و نیز ایجاد زیر ساخت‌های اصولی و اساسی جهت نیل به توسعه و رشد پایدار و متوازن، به ناچار می‌بایست به راهکارها و شیوه‌هایی جز فروش و صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی بماندیشیم و با اصلاح ساختارهای اقتصاد و با «برون رفت» از اقتصاد تک محصولی مبتنی بر فروش نفت، راه خود را به سوی بازارهای جهانی گشوده و بستری زاینده و پویا را برای اقتصاد خود فراهم سازیم، چرا که در غیر این صورت باز هم تجربه‌های تلخ از دست دادن میلیاردها دلار منابع ارزی ناشی از کاهش قیمت بازارهای جهانی نفت، که در نتیجه بحران‌های موجود در این بازارها نصیب ما می‌شود را تکرار خواهیم نمود و این وضعیت را هیچ چیز توجیه نمی‌کند مگر خروج از اتکالی به صادرات نفتی و توسعه صادرات غیر نفتی و نهایتاً ارتقاء ارزش افزوده و بالا بردن درآمد ملی کشور (آبراهامیان، ۱۳۷۸: ۶۳۰). بدیهی است در این راستا «سرمایه‌گذاری خارجی» به عنوان یکی از اصولی‌ترین و کاربردی‌ترین راه‌ها در تدوین استراتژی توسعه ملی می‌تواند با دمیدن روح رقابت به کالبد اقتصاد ملی، به طرز چشمگیری در افزایش ارزش افزوده ملی مؤثر واقع شده و بهره‌وری در کل ساختار اقتصادی را به شدت افزایش دهد و ضمن پوشش خلاء اقتصادی ناشی از کمبود سرمایه‌های لازم و نیز با توفیق در جذب سرمایه‌های خارجی، نیاز بخش صنعت و تولید را به ارز برطرف نموده و بستر لازم جهت نفوذ به بازارهای جهانی را فراهم آورد، چرا که طی این مکانیزم، تولید کشور افزایش یافته، سرمایه‌گذاری داخلی نیز رشد نموده و نتیجتاً با تولید کالاهای صادراتی، افزایش درآمدهای ارزی منتج شده و منابع مالی ما افزایش خواهند یافت. همچنین به این مهم نیز باید اشاره نمود که سرمایه‌گذاری خارجی بر سایر متغیرهای کلان اقتصادی از قبیل مصرف، سرمایه‌گذاری داخلی، اشتغال، تورم، نرخ ارز و ... تأثیرات مثبتی را به جا می‌گذارد.

سرمایه‌گذاران خارجی با در نظر گرفتن عوامل مختلفی که در مجموع مزیت مکانی هر کشور را شکل می‌بخشند، مبادرت به سرمایه‌گذاری در آن کشور می‌کنند. برخی از عوامل شکل دهنده مزیت مکانی مناطق مختلف، ثبات سیاسی- اجتماعی، زیرساخت‌های اقتصادی- اجتماعی، وجود عوامل تولید ارزان قیمت، بازار مصرفی وسیع و قوانین مساعد برای

سرمایه‌گذاری خارجی هستند به علاوه، سیاست‌گذاری‌ها و وضع مقررات مختلف نیز نقش مهمی را در جذب سرمایه‌های خارجی ایفا می‌کنند، ضمن آن که سیاست‌های واگذاری فعالیت‌های اقتصادی به بخش خصوصی و نیز آزاد سازی هم می‌توانند فرصت‌های جدیدی را برای سرمایه‌گذاری به وجود آورند. سرمایه‌گذاری خارجی به مثابه معادله ایست دارای دوسو: یکسوی آن، نهادها، قوانین و مقررات، نگرش‌ها، بازار و امکانات کشور میزبان برای پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی است و آن سوی دیگر، گرایش‌ها و باورهای سرمایه‌گذار خارجی نسبت به کشور میزبان. (حاجیلی، ۱۳۸۰: ۵۸).

در این میان نقش سیاست خارجی و برقراری تعاملات مثبت و سازنده با جهان خارج در شکل دهی این نگرش‌های دوسویه به خصوص نگرش‌های پذیرش سرمایه‌گذار که منجر به ایجاد فضایی مثبت برای باور سرمایه‌گذار خارجی از کشور میزبان می‌گردد، نقشی بسیار مهم در راستای جذب سرمایه‌گذاری خارجی می‌باشد با تمام این اوصاف باید، به این نکته مهم توجه لازم و کافی را داشته باشیم که هرچند سرمایه‌گذاری خارجی و حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی در راستای اهداف توسعه اقتصادی کشور به عنوان یکی از ابزارهای کارآمد از اهمیت خاصی برخوردار است (جمالی، ۱۳۸۲: ۶۵) ولی باید مراقب باشیم که در این میان توجه به سیاست‌ها و ارزش‌های بنیادی و مقدس نظام جمهوری اسلامی کشور در راس قرار دارد و باید بدانیم که توسعه وسیله است نه هدف و این نکته را نمی‌توان پنهان داشت که خطر توقیف سرمایه‌ها و دارایی‌های یک کشور از سوی دولت‌های بیگانه نیز وجود دارد، لذا به سرمایه‌گذاری خارجی بر اساس رعایت منافع متقابل می‌توان به دیده مثبت نگریست (سیف زاده، ۱۳۷۵: ۵۳) و از تجربه و تخصصی که این سرمایه‌ها به دنبال می‌آورند بهره گرفت و همواره باید هوشیار باشیم همان طور که سرمایه‌گذاران خارجی برای انجام سرمایه‌گذاری‌های خود ضمانت‌های لازم را از کشور میزبان خواستار می‌باشند، ما نیز می‌بایست استقلال و حفظ تمامیت ارضی و حاکمیت ملی و مهم‌تر از همه حفظ ارزش‌های انقلابی کشورمان را در اولویت اول قرار دهیم. (قانون اساسی ج. ۱. ا. اصل ۱۵۲).

اغلب کشورهای در حال توسعه همانند ایران برای رونق دهی به اوضاع اقتصادی، ایجاد اشتغال و دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی پایدار با مشکل کمبود منابع سرمایه‌گذاری رو به رو هستند. اما جبران عقب ماندگی‌ها و دستیابی به توسعه پایدار، نیازمند سرمایه‌گذاری برای بهره جویی از مزیت نسبی و توانایی‌های بالقوه اقتصادی است جلب سرمایه و سرمایه‌گذاری راهی

برای تسریع حرکت اقتصاد به سوی توسعه و ایجاد اشتغال است و می‌تواند به عنوان اهرمی برای شتاب توسعه و رشد اقتصادی بکار گرفته شود. تسریع جریان ورود سرمایه‌گذاری خارجی منافع متقابلی را برای کشورهای میزبان و سرمایه‌گذاران بین‌المللی فراهم می‌سازد. ایران با وجود برخورداری از مزیت‌های نسبی فراوان، فرصت‌های سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی، شرایط اقلیمی مناسب، موقعیت جغرافیایی راهبردی و دسترسی آسان به بازارهای منطقه، همچنین با داشتن نفت، گاز، معادن، صنایع تبدیلی و کشاورزی و... می‌تواند رشد خوبی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی داشته باشد. (صارمی ۱۳۸۲: ۹۸) لیکن متأسفانه، ایران با داشتن موقعیت‌های مناسب جغرافیایی و اقتصادی، سهم اندکی از سرمایه‌گذاری‌های خارجی را جذب می‌کند. با وجود این که سرمایه‌گذاری در ایران سوددهی مناسبی برای خارجی‌ها دارد و ایران توانایی و پتانسیل جذب ۱۰ درصد از ۳۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری صورت گرفته در کشورهای خارجی را داراست، اما زیر یک درصد از کل سرمایه‌های جهانی را جذب نموده و بر طبق گزارش واحد اطلاعات اکونومیست، ایران از میان ۶۰ کشور مورد بررسی قرار گرفته از سوی این موسسه در مکان شصتم قرار گرفته است. (<http://economists.ir>).

عواملی مانند وجود اقتصاد دولتی، بوروکراسی اداری گسترده و حرکت ایران به سمت اقتصاد درون‌گرا و ... از دسته عواملی‌اند که ریسک سرمایه‌گذاری خارجی در ایران را افزایش می‌دهند. با توجه به این مطالب قطعاً مهم‌ترین مولفه‌ی اثر گذار در دستیابی به سرمایه‌گذاری خارجی در کشور، برقراری و تنظیم مناسب روابط خارجی کشور با جامعه جهانی، سازمان‌های بین‌المللی و بازیگران عرصه بین‌الملل بوده که البته این مهم با اتخاذ سیاست خارجی مطلوب و دیپلماسی فعال بین‌المللی صورت می‌گیرد و این امر با برقراری تعاملات سازنده و ارتباطات سیاسی مطلوب که زمینه‌ساز ثبات داخلی و کاهش نرخ ریسک سرمایه‌گذاری است، امکان‌پذیر خواهد شد. (طباطبایی، ۱۳۸۱: ۴۵).

در این راستا سیاست خارجی هر کشور، نوع ارتباطات آن در عرصه بین‌المللی، همراه با بهره‌گیری از فرصت‌های سیاسی و اقتصادی موجود و پرهیز از تنش‌زایی اثرات قابل ملاحظه‌ای بر پدیده جذب و میزان سرمایه‌گذاری خارجی دارد (الیسون ۱۳۶۱: ۳۶). در همین راستا این مطالعه در پی بررسی این تأثیرات در طی سال‌های پیروزی پس از انقلاب بر میزان جذب سرمایه‌گذاری خارجی است.

انواع مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی

مدل عقلایی

در این مدل، تصمیم‌گیرندگان باید از اطلاعات قابل ملاحظه‌ای در مورد ارزش‌ها، منابع، اهداف و اولویت‌های هدف‌های گوناگون برخوردار بوده، بتوانند رفتارهای احتمالی آینده را پیش بینی کنند. در چهارچوب مدل مزبور، تصمیم‌گیرندگان در صدد اتخاذ بهترین تصمیم‌ها هستند. براساس تجزیه و تحلیل «هربرت سایمون» تصمیم‌های عقلایی نتیجه منطقی دو مقوله ارزش و واقعیت است. سطوح بالای سازمان به اتخاذ تصمیم‌های ارزشی می‌پردازند که طی آن خط مشی‌های کلی و استراتژی‌ها تعیین می‌گردد؛ حال این که تصمیم‌های مربوط به امور اجرایی و به طور کلی تصمیم‌هایی که در درجه اهمیت کمتری برخوردارند، در سطح پایین‌تر اتخاذ می‌شوند. در مدل اقتصادی، عقلایی بودن به مفهوم برخورداری تصمیم‌گیرندگان از آگاهی کامل، آشنایی با تمامی شقوق تصمیم‌گیری و پیامدهای آن است و لذا باید به صورت کاملاً عقلانی به آن نگرست و از دید صرفاً ارزشی خود داری کرد. نباید فراموش کرد که ضوابط منطقی و عقلایی بودن تصمیمات از دیدگاه افراد، سازمان‌ها و دولت‌های گوناگون متفاوت است. درچارچوب سیاستگذاری داخلی و خارجی ممکن است هر یک از گروه تصمیم‌گیرندگان، منطقی بودن را براساس اولویت‌های مورد نظر در منافع و اهداف ملی تعبیر و تفسیر کند. (سیف زاده، ۱۳۷۵: ۱۶۱).

مدل رضایت بخش

از آنجا که بهره‌گیری از مدل عقلایی به سادگی میسر نیست، تصمیم‌گیرندگان با در نظر گرفتن محدودیت‌های موجود قادر به اتخاذ «بهترین» تصمیم در معنای اقتصادی آن نیستند، بلکه به تصمیم‌های رضایت بخش بسنده خواهند کرد. سیاستگذار در این مدل، انسان به کمال رساننده به شمار نمی‌روند، بلکه به رضایت بخش بودن تصمیم‌ها توجه دارد؛ به عبارت دیگر، به محض آن که تصمیم‌گیرنده تشخیص دهد که یکی از انواع مختلف تصمیم، او را در جهت رسیدن به هدف اصلی هدایت می‌کند و همزمان برخی از نیازهای جنبی او را نیز تأمین می‌کند، آن را از میان سایر شقوق بر می‌گزیند و از تلاش برای یافتن بهترین راه خودداری می‌کند. در این مدل، مبنای تصمیم‌گیری در سیاست خارجی واقعیت‌های موجود است. بدین معنا که ضمن ارزیابی دقیق امکانات واحد سیاسی، از برنامه‌ریزی آرمانی برای تحقق اهداف و تأمین منافع ملی

دوری کرده، استراتژی‌های خود را با توجه به اوضاع محیط داخلی و بین‌المللی تنظیم می‌کند. تصمیم‌های گرفته شده ممکن است از نظر گروهی از تصمیم‌گیرندگان، رضایت بخش و از نظر گروهی دیگر غیر رضایت‌بخش باشد. در هر صورت برای آن که داده‌های سیاست خارجی پاسخگوی نیازهای نظام باشد، باید نوعی توافق و سازش میان نظرهای متعارض شرکت‌کنندگان در تصمیم‌گیری به وجود آید. (Rosenau. 1984:184).

مدل فزاینده

این روش، روش محافظه‌کارانه است و اگر چه سعی در افزایش قابلیت‌هاست ولی تصمیم‌گیرندگان درصدد تغییرات بنیادی و اساسی در تصمیم‌های قبلی نیستند، زیرا تصور می‌کنند که دگرگونی عمده در سیاست‌گذاریها ممکن است مشکلات گوناگون و غیرقابل‌کنترلی در ایجاد سازش و توافق میان سیستم سیاسی و محیط آن از لحاظ تبدیل نهاده‌ها (خواسته‌ها و منافع) به داده‌ها (تصمیم‌ها) به وجود آورد و حتی در مواردی مشروعیت نظام سیاسی مورد سؤال قرار گیرد. از نظر سیاست‌گذاران، هرگونه چرخش ناگهانی و عمده در روند تصمیم‌ها، مسائل متعددی را درخصوص سایر واحدهای سیاسی به وجود می‌آورد و نظام را از لحاظ رسیدن به اهداف سیاست خارجی با بحران روبرو می‌کند. براساس مدل فزاینده، در آغاز فرایند تصمیم‌گیری، ممکن است درجه عقلایی بودن تصمیمات به میزان مطلوب نباشد، ولی به مرور که تصمیم‌گیرندگان به اطلاعات جدیدی دسترسی پیدا می‌کنند بر میزان عقلایی و منطقی بودن آن‌ها «افزوده» می‌شود. بدین ترتیب هر اندازه اختلاف میان خطمشی‌های جدید و تصمیم‌های قبلی کمتر باشد، تصمیم‌گیرندگان با مشکلات کمتری مواجه خواهند شد. در هر صورت، مدل فزاینده در موقعیتی توجه سیاست‌گذاران را به خود جلب می‌کند که تصمیم‌گیرندگان از امکانات محدودی برخوردار باشند و ضمن پرهیز از ایجاد دگرگونی‌های عمده در سیاست خارجی و مخالفت با تعقیب سیاست تجدید نظر طلبانه در صحنه روابط بین‌الملل، پیرو سیاست حفظ وضع موجود باشند؛ زیرا دگرگونی سیاست خارجی از حالت حفظ وضع موجود به حالت تجدید نظر طلبانه، (مخالفت با حفظ موجود) مستلزم افزایش قدرت مادی و معنوی، توسعه حوزه منافع ملی، تغییر در اولیت‌های اهداف سیاست خارجی و تجدید نظر در اتحادها و ائتلاف‌ها خواهد بود. در این روند دولت مربوطه باید در تخصیص منابع ملی برای تحقق اهداف جدید خود تجدید نظر اساسی به عمل آورد. به همین دلیل، تصمیم‌گیرندگانی که براساس مدل فزاینده به

اتخاذ تصمیم مبادرت می‌کنند، به هیچ وجه خواهان تغییر عمده در سیاست‌ها و تصمیمات پیشین نیستند. (Brecher, 1967:16).

مدل بینش فوق‌العاده

تأکید این مدل بر برخورداری برخی از تصمیم‌گیرندگان و سیاستگذاران از توانایی‌ها، استعدادهای فوق‌العاده، ابتکارات، نوآوری و خلاقیت است؛ به گونه‌ای که در پاره‌ای از موارد وجود اینگونه توانایی‌ها، نظرها و نقش سایر عوامل و نهادهای تصمیم‌گیرنده را تحت الشعاع خویش قرار می‌دهد. (قوام، ۱۳۷۵:۵۵).

مدل مختلط

در این مدل سعی می‌شود به نوعی، نارسایی‌های موجود در مدل‌های فزاینده و عقلایی به حداقل ممکن کاهش پیدا کند و براساس این مدل، تصمیم‌گیرندگان به طور همزمان جنبه‌ها و دیدگاه‌های خرد و کلان را در سیاستگذاری مورد توجه قرار دهند؛ یعنی تصمیم‌گیرنده تحت تأثیر امکان‌های موجود کوشش می‌کند ضمن آن که برای اتخاذ استراتژی معین تمامی جوانب را در نظر می‌گیرد، در همان حال توجه خویش را بر پاره‌ای از مسائل و جنبه‌های سیاست خارجی نیز معطوف کند. در این روند، سیاستگذاران مثلاً ضمن تجزیه و تحلیل ابعاد گوناگون سیاست‌های نظام بین‌المللی، سیستم موازنه قدرت و عوامل به وجود آورنده ستیز و همکاری در سطح جهانی، به بررسی تأثیرگذاری و تأثیرپذیری داده‌های خارجی هر یک از واحدهای سیاسی، یا به مطالعه پیامدهای اتخاذ پاره‌ای از استراتژی‌ها در سطح منطقه می‌پردازند. ممکن است با توجه به امکان‌های موجود در مقاطع و تحت شرایط و مقتضیات گوناگون، تصمیم‌گیرندگان حوزه بررسی خویش را محدود یا وسیع سازند. در مدل مختلط می‌توان به پاره‌ای از نارسایی‌های موجود در مدل‌های عقلایی و فزاینده فایق آمد. (سیف زاده، ۱۳۷۵:۱۷۰).

نقش سیاست خارجی در مباحث توسعه‌ای کشور

ظاهراً تلاش کشورهای در حال توسعه برای دستیابی به آزادی عمل همبستگی نزدیکی با تلاش برای احراز سیاست خارجی نسبتاً فعال‌تر، پاسخگوتر، متنوع‌تر، همسازتر، پیچیده‌تر، و مؤثرتر دارد. اما سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای را با همه سخن‌سرایی‌هایی که درباره‌شان

می شود بیشتر وسیله ایفای نقش فعال در صحنه جهانی می دانند تا ابزاری برای پرداختن به تلاش هایی جهت ایجاد همبستگی فراملی، منطقه ای یا جهان گستر. وصف پاسخگو بودن، به وقوف فراینده به لزوم بهره مندی از توانایی های بین المللی برای تأثیرگذاری بر فعالیت های دیگر کشورها در نظام بین المللی اشاره دارد. متنوع بودن به تلاش هایی اشاره دارد که برای تغییر، متنوع سازی یا حتی قطع پیوندهای قدیمی با قدرت های استعمارگر پیشین، شرکت های خارجی و سازمان های بین المللی صورت می گیرد. تنوع در زمینه منافع تجاری خارجی می تواند یا به معنی زدودن آثار امپریالیسم باشد یا به معنی ایجاد تغییراتی در منافع مستقر که آزادی عمل کشور را به ویژه در صنایع حیاتی بهینه سازد. منظور از همساز بودن، تطابق بیشتر میان اهداف و وسیله های سیاست است. پیچیده بودن، ناظر بر افزایش نقش ها در برابر دیگر کشورها، سازمان های بین المللی و منطقه ای و شرکت های خصوصی و دولتی خارجی است. اثر بخشی، اشاره به الگوهای پایدار و مداوم صورت بندی و اجرای تصمیمات و اقدامات سیاست خارجی دارد. (خوش وقت، ۱۳۷۵: ۱۳۲).

به طور کلی بحث های مربوط به سیاست خارجی در مباحث مربوط به توسعه ایران چندان مورد توجه قرار نگرفته است در سال های اخیر به ابعاد سیاسی توسعه تا حدودی توجه می شود و نوعا به مباحث دیگر در توسعه پرداخته شده است حتی زمانی که بحث و مباحث سیاسی مطرح می باشد، عمدتا مباحث سیاسی داخلی اند که در کانون توجه قرار می گیرند. البته این قابل درک و توجه است ولی یک خلا در زمینه علوم توسعه به سیاست خارجی به چشم می خورد و علت های خاص خود را دارد ولی هر چه که هست ایران در جهانی زندگی می کند که مرتب در حال تلاطم و دگرگونی می باشد و سرنوشت توسعه ایران با سرنوشت چگونگی جهان و به خصوص محیط اطراف و سیاست خارجی آن در ارتباط است. (حاجی یوسفی، ۱۳۸۲: ۹۸) ابعاد سیاست خارجی توسعه ایران به عنوان یک موضوع مهم مطرح می گردد و سئوالات ذیل در این مقوله قابل طرح می باشد:

- ۱- در یک سطح کلان چه رابطه ای بین سیاست خارجی و توسعه وجود دارد؟
 - ۲- مورد ایران و مطالعه گذشته در این رابطه و وضعیتی که ایران دارد چه چیزهایی را به ما می گوید؟
 - ۳- باید به چه توصیه های اجرایی در برنامه ریزی های توسعه از بعد سیاست خارجی توجه کرد؟
- در رابطه با سؤال اول در بحث رابطه بین توسعه و سیاست خارجی می توان به سه نقش سیاست خارجی اشاره کرد.

الف. رابطه اول آن که «سیاست خارجی تسهیل‌کننده توسعه» است. سیاست خارجی می‌تواند توسعه یک کشور را تسهیل و یا موانعی در این زمینه ایجاد کند. ولی به طور کلی از نظر تئوریک و مفهومی باید بر این نکته تأکید کرد که سیاست خارجی می‌تواند در اختیار توسعه کشورها باشد و زمینه توسعه را فراهم کند.

ب. نقش دوم «بهره‌برداری از امکاناتی» است که معمولاً در سطح جهانی برای توسعه در نظر گرفته شده است و امکانات زیادی سازمان‌های بین‌المللی مختلف و به طور کلی جامعه جهانی برای توسعه به مفهوم عام فراهم کرده که از مجرای سیاست خارجی این قابل تأمین است.

پ. نقش سوم «جلوگیری از هزینه‌ها» و در واقع صرفه‌جویی‌های ملی از طریق ایجاد محیط مناسب پیرامون نقشی است که سیاست خارجی در توسعه به مفهوم عام دارد به این معنی که فقدان جنگ که هدف نهایی دیپلماسی است، شرط اصلی و اولیه هر گونه توسعه‌ای است. می‌دانید جنگ طبق تعریف کلاسیک زمانی رخ می‌دهد که دیپلماسی شکست می‌خورد و این به معنی صرفه‌جویی کردن به نفع توسعه می‌باشد. سیاست خارجی در هر کشور یک مأموریت دارد و آن تولید امنیت است. البته امنیت از طریق توسعه امکان پذیر است و بدون توسعه امنیتی در کار نیست. (Holsti, 1988:25)

در نهایت این که سیاست خارجی یک رابطه دیگر با توسعه پیدا می‌کند و آن در نحوه نگرش در «سیاست خارجی توسعه یافتگی» است بدین صورت که سیاست خارجی در یک کشور توسعه یافته باید بر تحلیل‌های علمی واقع بینانه، تعادل بین ابزار و اهداف و تعیین نقش مؤثر و مشخص استوار باشد. به هر حال توسعه و سیاست خارجی با هم رابطه خیلی تنگاتنگ و محکمی دارند اما در خصوص سؤال دوم یعنی مطالعه مورد ایران به سه نکته اشاره می‌شود. اول سیاست خارجی در برنامه‌های توسعه همانطور که در مقدمه اشاره شد جایگاهی ندارد و گویی توسعه ایران در فضایی منفک از فضای منطقه و بین‌المللی یک شرایط به اصطلاح با ثبات و بدون تغییر و تحول نگاه می‌شود، در حالی که ذات سیاست بین‌المللی تغییر و تحول دائمی است. (بوفر، ۱۳۶۶:۱۲۴).

دومین نکته در مورد ایران این است که سیاست خارجی یک ظرفیت‌های خاصی برای توسعه ایران دارد، باید تأکید گردد که ابعادی از ظرفیت‌های سیاست خارجی ایران در تولید و توزیع و رشد و توسعه ایران می‌تواند نقش بسزایی داشته باشد.

نکته سوم باید گفت که سرنوشت سیاست خارجی ایران نشان می‌دهد که موقعیت منحصر به فرد، ایران را در حالت فوق‌العاده خاصی به خصوص از نظر سیاست خارجی و ژئوپلیتیک قرار داده است. این در حالی است که موقعیت جغرافیایی ایران در منطقه‌ای است که کل منطقه، منطقه‌ای پرتنش و مملو از منازعات قومی و تنش‌های اجتماعی است، علاوه بر این بیشترین منازعات سیاسی در این منطقه وجود دارد و از سوی دیگر ایران یکی از بازیگران عرصه بین‌المللی است و سرنوشت سیستم بین‌المللی در وضعیت آن به طور مستقیم اثر دارد که این تاثیر را نمی‌توان نادیده گرفت.

در مورد سومین نکته که با توجه به این دو بحثی که اشاره شد یعنی رابطه به صورت کلان و مورد خاص، چه توصیه‌هایی به دست اندرکاران اجرایی در مورد رعایت عنصر سیاست خارجی در برنامه‌های توسعه و رشد ایران می‌شود، در نظر گرفت.

اول سیاست خارجی ایران می‌تواند «توسعه محور» باشد. با توجه به برنامه‌ریزی‌های پنج ساله و چشم انداز بیست‌ساله و به طور کلی این فرهنگ رشد و توسعه‌گرا که در ایران در این زمینه آغاز شده، قابل توجه است. باید دید که ایران چه باید انجام دهد، در پاسخ باید گفت: سیاست خارجی ج.ا.ا نیز باید توسعه محور گردد. یعنی سعی در افزایش رابطه با کشورهای توسعه یافته به منظور بالا بردن جذب سرمایه‌گذاری خارجی برای توسعه داخلی داشته باشد. سیاست خارجی توسعه محور امکان تبدیل ظرفیت سیاست خارجی ایران به یک ظرفیت فوق‌العاده برای توسعه یک کشور را دارد. لازمه سیاست خارجی و ایجاد تحول در آموزش دیپلماسی به مفهوم عام نه فقط به مفهوم وزارت خارجه‌ای می‌باشد. این تحول کیفی و اداری شامل نحوه تحول و نحوه نگرش تحلیل نسبت به جهان نیز می‌گردد. (فرانکل، ۱۳۵۵: ۹۳).

نکته دوم محیط پیرامونی ایران که محیط بسیار پر تناقضی است. این محیط از یک طرف برای ایران امکانات فراهم می‌کند و از یک طرف انرژی ایران را می‌گیرد.

در نهایت این که سیاست خارجی از توسعه جدا نیست و توسعه می‌تواندسه دستاورد برای ایران به همراه داشته باشد: «امنیت، اعتبار و امکانات و به نظر می‌رسد سیاست خارجی می‌تواند به توسعه ایران» اعتبار، امنیت و امکانات بدهد و این یک رابطه متقابل می‌باشد. ولی همه این‌ها بستگی به نحوه و دقت نگرش و برنامه‌ریزی کشور دارد. در این برنامه‌ریزی باید در نظر داشته باشیم که روح رشد و توسعه و حتی روح تعالیم دینی و فرهنگ ما این است که سرنوشت خودمان را جدی‌تر بگیریم و بدانیم آینده بهتری را می‌شود شکل داد.

توسعه ایران در گرو آن چیزی است که ما امروز در عرصه داخلی و خارجی با آن دست به گریبانیم.

مزیت‌ها و موانع در ایران برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی

ایران در منطقه جغرافیایی خاورمیانه و آسیای مرکزی قرار دارد و از لحاظ ژئوپلتیک و استراتژیک موقعیت مناسبی را داراست.

ایران به لحاظ جغرافیایی در مرکز یک بازار تقریباً سیصد میلیون نفری با ظرفیت‌های عظیم بالفعل و بالقوه منابع طبیعی قرار دارد. اکثر قریب به اتفاق کشورهای همسایه ایران مراحل توسعه اقتصادی خود را تازه آغاز کرده‌اند و در طولانی مدت بازار بسیار مناسبی برای جذب کالاها و خدمات مختلف خواهند بود. ارزان تر شدن هزینه حمل و نقل محصولات تولیدی از ایران به این بازار بزرگ، بهره گرفتن از ترتیبات تجاری منطقه‌ای نظیر اکو و سایر پیمان‌های منطقه‌ای، مزیت‌های قابل توجهی هستند.

ایران به لحاظ وفور نیروی انسانی ماهر به ویژه مهندسين و متخصصین تحصیل کرده در سطح بسیار بالایی قرار دارد. دسترسی به چنین ظرفیت عظیمی از نیروی انسانی تحصیل کرده و کارآمد با هزینه تقریباً رقابتی یک مزیت قابل ملاحظه محسوب می‌گردد. وفور انرژی و مواد اولیه مورد نیاز از جمله مزیت‌های آشکار ایران می‌باشد.

طولانی بودن دوره معافیت مالیاتی یک مزیت دیگر است. بر اساس قوانین جاری کشور متناسب با نوع فعالیت تولیدی به مدت ۴ تا ۸ سال معافیت مالیاتی وجود دارد و چنانچه فعالیت تولیدی در یک منطقه کمتر توسعه یافته استقرار یابد مدت معافیت مالیاتی بین ۶ تا ۱۲ سال خواهد بود. سرمایه‌گذاران و سهامداران این گونه شرکت‌ها نیز به همین مدت از پرداخت مالیات بر سود سهام معاف هستند. (چگینی، ۱۳۷۸: ۴۰۵).

علاوه بر این حتی بعد از خاتمه دوره معافیت مالیاتی هرگونه درآمد حاصل از صادرات از مالیات، معاف می‌باشد. سرمایه‌گذاران از پرداخت حقوق گمرکی و سود بازرگانی برای ماشین‌آلاتی که برای سرمایه‌گذاری تولیدی به ایران وارد می‌کنند، معاف هستند. حقوق گمرکی و سود بازرگانی پرداخت شده برای مواد اولیه‌ای که کالای تولیدی نهایی آن‌ها صادر می‌شود، مسترد می‌گردد. (دهشیری، ۱۳۸۰: ۲۵).

موانع اقتصادی: مانند گسترش بیش از حد بخش دولتی، نوسانات ارزی، سیاست تجاری ناکارآمد، نبود ثبات اقتصادی، عدم زیرساخت‌های فیزیکی، ضعف بنادر، ضعف اقدامات تشویقی

و ترویجی و خدمات پس از سرمایه‌گذاری، عدم مهارت کافی نیروی انسانی و عدم آشنایی با بسیاری از تکنولوژی‌های مدرن دنیا و سلیقه‌ای عمل کردن دستگاه‌های دولتی در برخورد با سرمایه‌گذاری خارجی، (رحیمی بروجردی، ۱۳۷۵: ۳۶).

موانع حقوقی: وجود قوانین و مقررات و خط مشی‌های روشن مرتبط با سرمایه‌گذاری خارجی از قبیل قوانین گمرکی، مالیاتی، تجاری و... از جمله اشکال تسهیل‌کننده سرمایه‌گذاری خارجی در ایران هستند، ولی کشور ما دارای قوانین و مقرراتی است که موانع و محدودیت‌های جدی را در راه جذب سرمایه‌گذاری خارجی ایجاد کرده است. از جمله این قوانین، اصولی از قانون اساسی (قانون اساسی ج. ا. ا. اصل ۴۶، ۷۷، ۸۱، ۱۳۹)، قانون جلب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی مصوب سال ۱۳۳۴ (البته قانون جدید سرمایه‌گذاری خارجی بسیاری از این موانع را مرتفع کرده است) و سایر قوانین مرتبط با سرمایه‌گذاری خارجی است.

موانع فرهنگی: داشتن ذهنیت منفی نسبت به سرمایه‌گذاران خارجی و سرمایه‌گذاری (که در سال‌های اخیر تا حدودی مرتفع شده است)، ارتباط و تعامل ضعیف بین ایرانیان و اتباع خارجی، کمبود مدارس دو زبانه در ایران و...

موانع سیاسی: مهم‌ترین مانع سیاسی اراده خصمانه آمریکا علیه دولت جمهوری اسلامی است و پس از آن نیز عدم اجماع داخلی بر سر جذب و چگونگی جذب سرمایه خارجی است. این عامل اخیر، خود عدم اراده ملی برای این امر را به همراه داشته است و باعث عدم انسجام و هماهنگی لازم بین دستگاه‌های مختلف اجرایی شده است، که البته پس از ابلاغ اصل ۴۴ توسط مقام معظم رهبری این عزم در حال شکل‌گیری در جامعه و نهادهای ذیربط می‌باشد. (<http://economists.ir>).

عوامل دیگری مانند عدم ثبات سیاسی، مشکلات امنیتی، تفسیرهای گوناگون از استقلال سیاسی، اختلاف نظر بین جریان‌های سیاسی راجع به حضور سرمایه‌گذاران خارجی و... را نیز در این رابطه می‌توان ذکر کرد.

در مجموع می‌توان تنگناهای سرمایه‌گذاری‌های خارجی در ایران را در عوامل زیر ذکر کرد:

۱- مجموعه مقررات و قوانین موجود در کشور

۲- ضعف و ناکارایی نظام قضائی

۳- ضعف و ناکارایی نظام مالیاتی

۴- ضعف و ناکارایی نظام پولی و مالی

- ۵- توسعه نیافتگی سیاسی و عدم ثبات
- ۶- نظام اجتماعی و فرهنگی کشور
- ۷- نبود اراده ملی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی
- ۸- تحریم‌های اقتصادی

ریسک‌های سرمایه‌گذاری در ایران

برای تعیین ریسک سرمایه‌گذاری هر کشور از ۱۰ معیار ذیل استفاده می‌شود: ریسک امنیتی، ریسک ثبات سیاسی، ریسک کارایی دولت، ریسک نظام حقوقی و قوانین، ریسک اقتصاد کلان، ریسک تجارت و پرداخت‌های خارجی، ریسک سیاست مالیاتی، ریسک بازار کار، ریسک مالی و ریسک زیرساختاری.

معیارهای سیاست مطلوب برای جلب و جذب سرمایه‌گذاری خارجی طراحی و تعیین استراتژی (راهبرد) صنعتی بلند مدت و کوتاه مدت ایجاد تسهیلات کامل زیربنایی مناسب برای توسعه صنعتی ایجاد بازار فروش، به ویژه از طریق تجارت آزاد و مناطق پردازش صادرات افزایش مهارت‌های نیروی انسانی و استفاده از فن آوری پیشرفته وضع قوانین مربوط به تشویق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به ویژه در ارتباط با انتقال (مجدد) آزاد سرمایه و پرهیز از مالیات مضاعف

تضمین شرایط مطلوب بازرگانی به وسیله کاهش شرایط بحرانی، ریسک، بی‌ثباتی و ... تغییر در گرایش‌ها و دیدگاه‌های اجتماعی، به عنوان این که منافع حاصله به عنوان الگویی پسندیده است و همچنین پذیرش رقابت به منظور افزایش کارایی و مبادله با دیگران جهت افزایش رفاه و ...

ایجاد نوعی قانونمندی در رابطه با مالکیت خصوصی، امنیت صنایع، حقوق مالکیت معنوی، انحصارات عمومی و خصوصی فراهم نمودن و در اختیار نهادن اطلاعات، امکانات و فرصت‌های سرمایه‌گذاری مورد نیاز برای سرمایه‌گذاران خارجی تعیین استراتژی اقتصاد کلان در یک افق بلند مدت به ویژه در زمینه سیاست‌های بازرگانی بین‌المللی. در چند سال اخیر در جذب سرمایه‌گذاری خارجی گام‌های مهمی برداشته شده که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

اصلاح قوانین (تصویب قانون جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی)
 اجماع نظر پیرامون سرمایه‌گذاری خارجی
 اصلاح قوانین مالیاتی، اصلاح در تعرفه تک نرخى شدن ارز
 اصلاحات اقتصادی
 تلاش‌های در راستای حرکت از سمت نظام اقتصادی دولتی به سمت اقتصاد مبنی بر فعالیت
 بخش خصوصی
 خصوصی سازی و واگذار نمودن صنایع و بخش‌های بزرگ اقتصادی به فعالان عرصه خصوصی

اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

مهم‌ترین منبع و مأخذ برای شناخت اهداف سیاست خارجی ایران، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد که با توجه به آنچه که در مقدمه و اصول آن آمده است، می‌توان اهداف نظام و نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران را که براساس اصول و ضوابط اسلامی تدوین شده است بشناسیم. مجموع اهداف سیاست خارجی ایران با بررسی قانون اساسی موارد زیر است:

- سعادت انسان در کل جامعه بشری
- استقلال کشور
- ظلم ستیزی و عدالت خواهی و طرد نظام سلطه در جهان و حمایت از مبارزه حق طلبانه مستضعفین
- تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان، ائتلاف و اتحاد ملل مسلمان و وحدت جهان اسلام و نیز دفاع از حقوق مسلمانان جهان
- نفی هر گونه ستمگری و ستم‌کشی و نفی هر گونه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر
- طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب و حفظ تمامیت ارضی و نیز نفی و اجتناب از پیمان‌هایی که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصاد کشور، فرهنگ و ارتش گردد.
- روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب
- صداق و وفای به عهد در معاهده‌ها. (محمدی، ۱۳۶۶: ۳۵).

بررسی سیاست خارجی در دوره‌های مختلف ریاست جمهوری

نوسان بین واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی یکی از چالش‌های نظری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید که دارای نمودها و تجلیات عینی در عرصه عملیاتی و اجرایی نیز بوده است. در واقع، تصمیم‌گیران دستگاه دیپلماسی کشور با این پرسش روبرو بوده‌اند که آیا باید با رویکرد آرمان‌گرایانه، ضمن تاکید بر صدور انقلاب و پافشاری بر ارزش‌ها، خواستار تغییری فاحش و بنیادین در ساختار ناعادلانه نظام بین‌المللی شوند و حمایت مادی و معنوی از گروه‌های خارج کشور با ایدئولوژی‌های مشابه و کمک به نهضت‌های آزادیبخش را مورد توجه جدی قرار دهند یا این‌که با رویکرد واقع‌گرایانه، با تاکید بر محدودیت‌های قدرت کشور انقلابی و آشنایی با واکنش محیط بین‌الملل به انقلاب اسلامی، رفتاری محتاطانه و عمل‌گرایانه را در پیش گیرند و با تفسیر راهبرد دعوت به تبیین عقیده به جای ترویج عقیده، تنها در صورت تبدیل جمهوری اسلامی به الگوی موفق یک کشور انقلابی و اتخاذ سیاست گشایش به سوی خارج برای کسب فن‌آوری‌های پیشرفته قدرت‌های صنعتی، جمهوریت و اسلامیت نظام را قابل اقتدار در عرصه منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تلقی نمایند. (دهشیری، ۱۳۸۲: ۵۲).

آرمان‌گرایان بر این باورند که ایدئواستراتژی بر ژئواستراتژی اولویت دارد، آرمان‌ها و ایده‌آل‌ها و اصولی چون عدالت‌جویی، خیرخواهی، بشر دوستی و اخلاق‌گرایی راهنما و معیار رفتار کشور در سیاست خارجی تلقی می‌شود، امکان تحقق نظامی عادلانه فارغ از کاربرد سلطه جویانه زور در عرصه بین‌المللی وجود دارد، آنان هر گونه نگرش برتری جویانه قدرت‌های استکباری را نفی می‌کنند، با تاکید بر امکان و توان جمهوری اسلامی برای سازماندهی انقلاب‌های مشابه، بر ضرورت ارسال منابع و حمایت سیاسی و تبلیغی از نهضت‌های آزادی‌بخش اسلامی و حرکت‌های رهایی‌بخش مستضعفان جهان پافشاری می‌کنند و فاصله گرفتن تحقق آرمان‌ها از زمان پیش‌بینی شده را بر نمی‌تابند، اولویت را به گسترش رابطه با کشورهای اسلامی و جهان‌سومی می‌دهند و انسجام و وحدت کشورهای مسلمان و غیر متعهد را وجهه همت خود قرار می‌دهند. (ازغندی، ۱۳۸۶: ۱۲).

از دیگر سو، واقع‌گرایان بیشتر بر حفظ روابط صلح‌آمیز و سالم دیپلماتیک و اقتصادی با دیگر کشورها و به ویژه همسایگان و قدرت‌های بزرگ تاکید دارند؛ بیشتر به حل مشکلات دارای اهمیت ملی تا بین‌المللی تمایل دارند؛ با تاکید بر سیاست درهای باز به نفی گرایش‌های انزویطلبانه می‌پردازند؛ منفعت‌محوری و سودگرایی را اساس رفتار سیاست خارجی قرار می‌دهند؛

با اعتقاد به مرکزیت ثقل قدرت در سیاست، بر تامین، تقویت، تثبیت و توسعه امنیت ملی تاکید دارند؛ ضمن توجه به واقعیت‌های موجود بین‌المللی برای تامین امنیت کشور و تلاش برای کسب، ازدیاد و اعمال قدرت، منافع ملی را قطب‌نمای رفتار کشور در سیاست بین‌المللی قرار می‌دهند؛ در تلاش برای تحقق توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی کسب امکانات و فن‌آوری‌های نوین قدرت‌های بزرگ را از رهگذر روابط صلح‌آمیز متقابل با آنان مدنظر قرار می‌دهند؛ و با تاکید بر ضرورت حضور فعال و برنامه‌ریزی شده ایران در مجامع منطقه‌ای و بین‌المللی، جهان کنونی را سیال و مبتنی بر رقابت- تفاهم می‌دانند؛ لذا معتقدند جمهوری اسلامی ایران باید با توجه به دگرگونی‌های محیطی، تغییر رفتار بازیگران، تنوع رقابت‌های سیاسی و اهتمام به تامین نیازهای داخلی، سیاستی سنجیده و عمل‌گرایانه را در پیش گیرد. نظریه آرمان‌گرایی واقع‌بینانه در عین اهتمام به عقل‌ابزاری یعنی بهره‌گیری از کوتاه مدت مسیر برای وصول به مقاصد از پیش تعیین شده با کم‌ترین هزینه و بیشترین فایده براساس ارزیابی هزینه- فایده، عقل‌غایی (نیل به هدف نهایی صلح و عدالت بر محور هستی‌شناسی و غایت‌گرایی)، عقل اخلاقی (بهره‌گیری از ابزارهای مشروع برای دستیابی به اهداف مشروع)، عقل مفاهمه‌ای، عقل ارتباطی و عقل انتقادی را نیز مورد توجه قرار می‌دهد. در واقع، کلان‌نگری ایجاب می‌کند که نتیجه نهایی و پایان کار بیشتر مدنظر قرار گیرد و عاقبت‌اندیشی، دور‌اندیشی، صبر و حزم در رسیدن به اهداف کلان و نهایی جایگزین جزئی‌نگری و توجه به نتایج قطعی و زودگذر در دوره‌ای خاص گردد. این نظریه با اصالت بخشی آرمان‌ها و اصول اخلاقی و اعتقادی، آگاهی از اوضاع، احوال، شرایط و وقایع بین‌المللی و انعطاف‌پذیری در مورد سازوکارهای وصول به اهداف و آرمان‌ها، به برقراری نظام عادلانه بین‌المللی، وفای به عهد و پیمان، مکتب‌سازی، احیای اندیشه دینی، ایجاد یک جریان فکری خالص و ناب از رهگذر سازگاری آرمان‌ها و واقعیات با دید عاقبت‌اندیش و کلان‌نگر می‌اندیشد؛ لذا در مسیر گام برداشتن به سوی اهداف و آرمان‌ها و طی مسیر تعالی و تکامل، در عین پایبندی به اصول و اهتمام به اهداف عالی، از اوضاع و شرایط بین‌المللی غافل نیست اما در عین حال مصلحت‌اندیشی و ضرورت‌های سیاسی و فقهی را با توجه به الضرورات تبیح المحظورات (ضرورت‌ها امور پرهیز داده شده را مباح می‌گرداند) لحاظ می‌کند ولی به محض برطرف شدن ضرورت، دوباره آرمان‌ها و اهداف را مقدم می‌داند؛ لذا آرمان‌گرایی واقع‌بینانه، ژرف‌نگری، توجه به مقتضیات زمان و مکان اعمال قدرت برای هدایت امور در مسیر صلاح و تلاش برای همزیستی مسالمت‌آمیز را مدنظر قرار می‌دهد و از هر گونه

تک بعدی نگری، جزئی نگری و بخشی نگری پرهیز می‌نماید.

با وجود تلاش مزبور برای امتزاج نظری آرمان گرایی و واقع گرایی، سیاست خارجی ایران در عمل شاهد تناوب و نوسان بین این دو رویکرد بوده است چرا که متغیرهای درونی یا داخلی از قبیل عوامل فردی، نقشی، حکومتی و اجتماعی بیش از متغیرهای بیرونی یا خارجی یعنی ساختار نظام منطقه‌ای و بین‌المللی بر تصمیم‌گیری‌های دست‌اندرکاران ایران در سیاست خارجی تاثیر گذار بوده‌اند و در واقع روابط خارجی به عنوان تداوم سیاست داخلی از عواملی چون ایدئولوژی و ذهنیت نخبگان سیاسی تاثیرپذیری بیشتری داشته است. به عبارت دیگر، در پویای رفتار خارجی جمهوری اسلامی محیط داخلی از اهمیت والاتری در مقایسه با متغیرهای خارجی برخوردار بوده است و بسته به عقاید، ویژگی‌ها و شیوه اداره دستگاه دیپلماسی و رویکرد دولتمردان نسبت به تحولات نظام بین‌الملل تناوب بین آرمان گرایی و واقع گرایی صورت می‌پذیرفته است. (سریع القلم، ۱۳۸۱: ۷۵).

الف- موج اول آرمان گرایی (۱۳۶۳-۱۳۵۷)

پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره)، جوهره سیاست خارجی ایران را تغییر داد. ایران با اتخاذ سیاست نه شرقی، نه غربی و نفی اتحاد با بلوک‌های شرق و غرب راهبرد عدم تعهد را به عنوان جهت‌گیری سازگار با تجربه تاریخی و بافت فرهنگی ایران در پیش گرفت و با خروج از سازمان پیمان مرکزی یا سنتو و پیوستن به جنبش عدم تعهد و لغو بسیاری از سفارش‌های خرید اسلحه از غرب، سیاستی مستقل از قدرت‌های بزرگ را براساس دوری‌گزینی همسان اتخاذ کرد.

تاکید جمهوری اسلامی بر اتخاذ دیپلماسی مستقل و فارغ از وابستگی به قدرت‌های استکباری بی‌تاثیر از تحولات داخلی ایران نبود. برداشتی اخلاقی از وظایف دولت همزمان با تاکید بر خودباوری، خوداتکایی، دستیابی به حاکمیت تام، تحقق فرهنگ استقلال‌ی و نفی خود باختگی و از خود بیگانگی در برابر غرب موجبات اعتقاد به راهبرد مواجهه با نظم هژمونیک دو ابر قدرت امپریالیستی، تلاش برای برقراری نظام عادلانه بین‌الملل و اهتمام به صدور فرهنگ انقلاب را فراهم آورد که به مکتبی شدن سیاست خارجی منجر شد.

در این برهه، به رغم شکاف بین مکتبیون و لیبرال‌ها، گفتمان بسط محور مبتنی بر گسترش بخشی به ایدئولوژی اسلامی و صدور انقلاب، بسط افکار و پیام‌ها و شعارهای انقلابی و

جایگزین کردن مرزهای ایدئولوژیک به جای مرزهای جغرافیایی به عنوان گفتمان مسلط در سیاست خارجی به شمار می‌آید. از این رو، اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی در این مقطع را می‌توان براساس محورهایی از قبیل آرمانخواهی، ایدئولوژی گرای، عدالت خواهی، به چالش کشاندن قواعد ناعادلانه نظام بین‌المللی از جمله حق و تو در شورای امنیت سازمان ملل متحد، ارایه تفسیری فراملی با تاکید بر امت‌گرایی، اندیشیدن به مسئولیت‌های فرامرزی در قبال امت اسلامی، پشتیبانی از منافع مستضعفان جهان در مقابل مستکبران، حمایت از نهضت‌های آزادی بخش، گسترش بیداری اسلامی و ترویج ارزش‌های انقلاب در جهان اسلام، برقراری نظام عادلانه بین‌المللی و مبارزه با نظام سلطه جهانی دانست. (بخشایشی، ۱۳۷۵: ۷۳).

ب موج اول واقع‌گرایی (۶۵-۱۳۶۳)

ریشه موج اول واقع‌گرایی را باید در سال ۱۳۶۳ جستجو کرد که در راستای گفتمان حفظ محور و بقای جمهوری اسلامی ایران به عنوان ستاد انقلاب اسلامی جهانی اصالت یافت و تنبیه‌ای عمل‌گرایانه به خود گرفت، بدین معنا که سیاست در چارچوب مصلحت‌اندیشی به توان‌ابزاری در جهت فعلیت بخشیدن به آرمان‌ها و ارزش‌های ام‌القری اتخاذ گردید. در این دهه، جمهوری اسلامی با نگرش سخت‌افزاری به تهدیدات خارجی مهم‌ترین وظیفه نظام را همین زمینه بقا و تحکیم امنیت ملی می‌دانست و در چارچوب راهبرد بازدارندگی مردمی تاکید بر اراده ملی، بسیج مردمی و عوامل عینی قدرت ملی مورد اهتمام قرار گرفت.

در واقع سه دلیل عمده موجب اتخاذ رهیافت واقع‌گرایانه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران شد. نخست آن که سیاست‌های اقتصادی متمرکز دولت، ضرورت تجدیدنظر در سیاست‌های اقتصادی از رهگذر کاهش تصدی فعالیت‌های اقتصادی توسط دولت را ایجاد می‌کرد. دوم آن که نیاز به حفظ کیان اسلامی از رهگذر تامین مایحتاج تسلیحات جنگ و ضرورت دستیابی به جنگ‌افزارهای پیشرفته برای عبور از استحکامات عراق به ویژه پس از عدم تحقق فتح بصره، حفظ روابط متقابل و همکاری جویانه با کشورها را اقتضا می‌کرد تا لااقل از رهگذر تفاهمی غیر رسمی با قدرت‌های بزرگ از همکاری آنان با عراق جلوگیری به عمل آید.

ج موج دوم آرمان‌گرایی (۶۶-۱۳۶۵)

در این برهه، آرمان‌گرایان که در مجلس سوم به اکثریت دست یافتند تلاش کردند با افزایش ستیز و هجوم تبلیغی علیه سیاست‌های استکباری آمریکا، تقسیم‌بندی رادیکال کشورها

به دوست و دشمن، به چالش کشاندن نظام بین‌الملل نوعی آرمان‌گرایی دفاعی گرا و ایدئولوژی محوری حداکثر گرا را بر عرصه سیاست خارجی کشور حاکم سازند. بعلاوه آنان با تاکید بر اولویت ایدئواستراتژی بر ژئواستراتژی، درصدد تحکیم وحدت عمومی و تحقق حاکمیت تام از رهگذر تهییج احساسات عمومی و توسعه بسیج مردمی برآمدن تا با تدارک حمله‌ای گسترده علیه رژیم بعثی عراق بر امکان تحقق آرمان‌های اسلامی تاکید ورزند و اهمیت و قدرت بسیج توده‌ای را به رخ متجاوزان و تهدیدگران خارجی کشند.

د- موج دوم واقع‌گرایی (۶۷-۱۳۶۶)

در این مقطع سیاست خارجی ایران بر برون‌گرایی محتاطانه استوار بود در عین حال پراگماتیسم یعنی تصمیم‌گیری مبتنی بر خرد‌گرایی و توالی مراحل تشخیص مشکل، احصای راهکارهای ممکن، انتخاب معیار سنجش، تبیین نتایج حاصل از هر راهکار، ارزیابی راهکارها، انتخاب راهکار و اخذ تصمیم از نظر دور داشته نمی‌شد. در این برهه تبیین منافع ملی براساس رویکرد نخبه‌گرایانه صورت می‌پذیرفت و با الهام از تلقی حضرت امام (ره) در مورد گرگ بودن امپریالیست‌ها، سیاست بهره‌گیری از تضاد ابرقدرت‌ها و به بازی گرفتن آن‌ها علیه یکدیگر مورد توجه قرار می‌گرفت.

ه- موج سوم آرمان‌گرایی (۶۸-۱۳۶۷)

در این برهه، غیرت ایدئولوژیک جمهوری اسلامی در پی انتشار کتاب آیات شیطانی از سوی سلمان رشدی در اوایل سال ۱۹۸۹ (اواخر ۱۳۶۷) موجب شد گفتمان تضاد محور با غرب بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی حاکمیت یابد.

و- موج سوم واقع‌گرایی (۷۵-۱۳۶۸)

اقبال به رویکرد واقع‌گرایانه در این مقطع از عوامل درون‌زا و برون‌زا ناشی می‌شد، موفقیت علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی در انتخابات ریاست جمهوری و اصلاح قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ دو واقعه داخلی بود که موقعیت واقع‌گرایان را در سیاست خارجی ایران تحکیم بخشید از دیگر سو، کاهش تهدیدهای خارجی در پایان جنگ و نیز تغییر در نظام جهانی و تحول در ساختار نظام بین‌المللی ناشی از پایان یافتن ساختار دو قطبی و فروپاشی شوروی دو

رخداد خارجی بود که با تغییر محیط ژئوپولیتیکی ایران در اقبال زمامداران ایران به رویکرد واقع‌گرایانه موثر تلقی می‌شد.

در واقع، توجه به ارزش‌ها براساس معیارهای عینی، اهتمام به واقعیت‌ها فارغ از ذهن‌گرایی، عنایت به الگوی توسعه اقتصادی بر دو پایه مصالح اسلام و منافع ملی و تلاش برای ارتقای توان اقتصادی کشور در پی ظهور جمهوری‌های جدید در آسیای مرکزی و قفقاز و امکان بهره‌گیری و سودمندی از روابط اقتصادی چند جانبه گرا با سه سازمان اقتصادی جهانی یعنی نفتا، اتحادیه اروپا و آسه آن موجب شد ذهنیت نخب‌گان ایرانی در جهت تامین نیازهای عینی سوق یابد و روحیه واقع‌گرایی، مصلحت‌گرایی و عمل‌گرایی بر ساختار تصمیم‌گیری ایران حاکم گردد. بعلاوه، فروپاشی شوروی موجب شد تفاهم و تشنج‌زدایی جایگزین تقابل واحدهای سیاسی شود و آسیای مرکزی و قفقاز به مثابه منطقه‌ای ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک برای ایران قلمداد گردد.

در این برهه، الگوی رفتاری در سیاست خارجی به مصالحه و همزیستی تغییر یافت و زندگی در سایه مناسبات با سایر ملل مورد اهتمام قرار گرفت. در راستای تلاش برای تشویق سرمایه‌گذاری خارجی و دریافت وام از بانک جهانی، آزادسازی تجاری و همکاری‌های اقتصادی با کشورهای توسعه یافته مورد توجه واقع شد. عنایت زمامداران به صدور، عرضه و فروش نفت به خارج در پی سقوط قیمت نفت، کسب فن‌آوری‌های پیشرفته، تامین کالاهای اساسی، تحقق رفاه اجتماعی و برقراری صلح و امنیت منطقه‌ای موجب شد نوعی نوگرایی در سیاست خارجی بروز کند و در الگوی صدور انقلاب تجدیدنظر حاصل شود.

ز- موج چهارم آرمان‌گرایی (۱۳۷۵-۷۶)

در این مقطع، سیاست خصمانه ایالات متحده در قبال ایران و اهتمام آن در به کارگیری سیاست چماق در برابر جمهوری اسلامی با تلقی ایران به عنوان بازیگری ستیزه‌جو و چالش با نظم نوین جهانی و معرفی آن به عنوان کشور حامی تروریسم بین‌المللی، ثبات‌زدا به دلیل مخالفت به ا روند صلح اعراب و اسرائیل، تلاشگر در دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای و بازسازی ماشین جنگی و فن‌آوری‌های موشکی و کشوری ناسازگار باهنجارهای متداول بین‌المللی به دلیل نقض حقوق بشر موجب شد آرمان‌گرایان سیاست‌های آشتی‌جویانه واقع‌گرایان را به باد انتقاد بگیرند و آن را منشا وضع قانون داماتو و تداوم تحریم‌های اقتصادی آمریکا علیه ایران بدانند.

آرمان‌گرایان با تاکید بر این که آرمان‌ها افق دید و در نتیجه برد تلاش و همت کشور را نشان می‌دهد ایستارهای ایدئولوژیک را برای مقابله با تهدیدات خارجی مورد تاکید قرار می‌دادند و با تلقی منشا تهدیدات از عوامل خارجی و یا رویکردی مطلق‌گرا به مقوله امنیت ملی، استراتژی سدسازی در برابر دشمن را اتخاذ نمودند.

ج- موج چهارم واقع‌گرایی (۱۳۷۶-۷۹)

در پی روی کار آمدن آقای خاتمی، مباحثی از قبیل جامعه مدنی و تکثرگرایی در ساختارهای داخلی مطرح گردید، به گونه‌ای که تحول فکری و ظهور بینش‌های جدید موجبات اندیشیدن به روش‌های نوین در سیاست خارجی را فراهم ساخت. از این رو، رفتار خارجی مسالمت‌گرا و تنش‌زدا در عرصه دو جانبه‌گرایی و گفتگوی تمدن‌ها در عرصه دو جانبه‌گرایی و گفتگوی تمدن‌ها در عرصه چند جانبه‌گرایی مورد توجه قرار گرفت. در واقع، با الهام از نظریه پیوند مطرح شده توسط روزنا، تحولات داخلی از قبیل حاکمیت‌گفتمان توسعه سیاسی- فرهنگی، ارتقای فرهنگ مشارکت‌پذیر در نظام مردم‌سالار دینی، شعار ایران برای همه ایرانیان، سیاست مصون‌سازی فرهنگی، تساهل و تسامح فرهنگی، قانون‌گرایی، رعایت حقوق و آزادی‌های فردی عنایت به ارزش‌هایی چون مشارکت مدنی خواست‌گرا، دموکراسی، تکثرپذیری سیاسی- فرهنگی، حق حاکمیت مردم و اهتمام به تعادل بین مقبولیت و مشروعیت نظام سیاسی موجب شد سیاست اعتمادسازی ایران در عرصه سیاست خارجی از سوی سایر کشورها پذیرفته شود، نگرش مثبت و خوش‌بینانه ایران نسبت به جامعه مدنی بین‌المللی مورد پذیرش قرار گیرد. همکاری‌های بین‌المللی در چارچوب تفاهم و اعتماد متقابل توسعه یابد.

جلب و جذب سرمایه‌های خارجی از رهگذر اعتمادسازی مورد عنایت واقع شود، به موازات تاکید بر جامعه مدنی بین‌المللی دیپلماسی غیر دولتی مورد اهتمام قرارگیرد و از رویکرد واقع‌گرایانه به نظام بین‌الملل تفسیر پرهیز از درگیری ایدئولوژیک و همزیستی مسالمت‌آمیز شود. اقدامات مزبور موجب شد جمهوری اسلامی بتواند به بازسازی چهره بین‌المللی خود بپردازد.

موج پنجم واقع‌گرایی (دوران دوم ریاست جمهوری سید محمد خاتمی)

باتوجه به این که سال ۱۳۸۰ از سوی مقام معظم رهبری به عنوان سال اقتدار ملی و اهتمام به اشتغال مولد نامگذاری شد به نظر می‌رسید پس از پیروزی مجدد جناب آقای خاتمی در

انتخابات ریاست جمهوری ۱۸ خرداد ۱۳۸۰ و تنفیذ حکم ریاست جمهوری ایشان در ۱۱ مرداد ۱۳۸۰ از سوی مقام معظم رهبری موج جدیدی از واقع‌گرایی به منصفه بروز برسد که بر اهتمام به توسعه اقتصادی و اجتماعی در داخل و افزایش اقتدار منطقه‌ای و حیثیت بین‌المللی ایران در خارج استوار باشد. به علاوه احتمال می‌رفت گونه‌ای از واقع‌گرایی تعدیل شده در چارچوب واقع‌بینی آرمانخواهانه تحقق یابد که بر جنبه‌های عینی و ذهنی ملی، امنیت ملی و اقتدار ملی و تلفیق بهینه آرمان‌ها و واقعیت‌ها تاکید داشته و به جای گذشته‌گرایی نوعی حرکت رو به پیش مدنظر دارد که در پی افزایش نقش ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی ایران با بهره‌گیری از اهرم‌های مادی و معنوی باشد. در این دوران وجود تنش‌ها و درگیری‌ها و منازعات داخلی و جناحی در عمل مانع از تحقق انتظارات موجود شد و بسیاری از تلاش‌های دولت برای تنش‌زدایی و برقراری تعاملات با عرصه بین‌المللی به شکست انجامید.

موج ششم آرمان‌گرایی (دوران ریاست جمهوری آقای محمود احمدی نژاد)

در ابتدای به قدرت رسیدن دولت محمود احمدی نژاد لاریجانی که از تئوریسین و متفکرین جناح اصولگرا محسوب می‌گردید اولویت نخست سیاست خارجی دولت وی را برقراری ارتباط استراتژیک با همسایگان برای ایجاد امنیت منطقه‌ای و رویکرد تهدیدزدایی به جای تنش‌زدایی مطرح نمود و این فصل را فصل نوینی در دیپلماسی ایران توصیف کرد. اصولگرایان در ابتدای به قدرت رسیدن دولت نهم بارها بر سیاست تهدیدزدایی تکیه نمودند که نشان از آن داشت که آنان با وجود فشارهای آمریکا ادامه رویکرد پیشین را کارآمد ندانسته و با بیان این که «در چنین وضعیتی نمی‌توان گفت که ما به دنبال تنش‌زدایی هستیم بلکه باید به گونه‌ای عمل کنیم که تهدید به سمت ما نیاید» راه برون رفت از چالش‌ها را نه تقلیل تنش که دفع تهدید ارزیابی می‌نمودند.

عملکرد سرمایه‌گذاری خارجی طی سال‌های بعد از انقلاب ۱۳۵۷-۱۳۸۸

الف- دوره ۷۲ - ۱۳۵۷

همان طور که بیشتر نیز اشاره شده پس از پیروزی انقلاب میزان سرمایه‌گذاری‌های خارجی در کشور به شدت کاهش یافت. در این سال‌ها کشور نه تنها در جذب سرمایه خارجی ناموفق بود بلکه حتی برخی از سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در سال‌های قبل از سال ۱۳۵۷ نیز ملغی اعلام شد و اصل سرمایه به کشور مادر برگشت داده شد. (آمار و اطلاعات اخذ شده از

«گزارش‌های سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های فنی اقتصادی ایران».

در این دوره به علل متعددی از جمله تحریم اقتصادی، جنگ و بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی، سرمایه‌گذاران خارجی علاقه‌ای به سرمایه‌گذاری در ایران نداشتند و به رغم این که در برنامه اول توسعه (۷۲ - ۱۳۶۸) طبق تبصره ۲۹ قانون برنامه قرار بود که جهت دستیابی به رشد اقتصادی سریع‌تر و تامین کمبود سرمایه‌ای، اقدام‌هایی جهت جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی به عمل آید اما به دلیل بی‌ثبات، اقتصادی و سیاسی، نبود خطمشی و سیاست‌های اجرایی مناسب به منظور تحقق هدف مذکور و به ویژه بی‌ثباتی نرخ ارز و وجود تورم سرمایه‌گذاری خارجی در کشور صورت نگرفت.

ب- دوره زمانی ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۷

در این دوره دولت درصدد فراهم کردن زمینه مناسب جهت جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی بود و در این راستا با تصویب قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی ایران که طبق ماده ۸ آن سازمان‌ها و شرکت‌های تابع مجاز هستند قراردادهای لازم را با اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی و خارجی منعقد کنند، تصویب شد در این قانون تسهیلات برای سرمایه‌گذاران خارجی در این مناطق در نظر گرفته شده است که از جمله آن‌ها معافیت ۱۵ ساله از پرداخت مالیات بر درآمد و دارایی افراد حقیقی و حقوقی که در منطقه فعالیت اقتصادی می‌کنند، است. به طور کلی تلاش‌های زیادی در این دوره برای جذب سرمایه‌های خارجی صورت گرفت. همچنین در این دوره با تصویب قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور گام مهمی جهت تسهیل در جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی برداشته شد. چنان که طبق تبصره ۲۲ این قانون شرایطی جهت استفاده از سرمایه‌های خارجی دیده شده است. به طور کلی در طول این دوره در مجموع مبلغ ۴/۸۶۸ میلیون دلار سرمایه خارجی وارد کشور شده است.

میزان ورود سرمایه‌های خارجی خصوصی خارجی به کشور از طریق مرکز جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی در دوره ۱۳۷۲ تا پایان مرداد ۱۳۷۷ ارقام : میلیارد ریال

سال	میزان سرمایه نقدی، غیر نقدی وارده	میزان رشد (درصد)
۱۳۷۲	۲۰ / ۳	-
۱۳۷۳	۱۸۷ / ۸	۸۲۵
۱۳۷۴	۲۵۱ / ۲	۳۴
۱۳۷۵	۱۳۲ / ۳	-۴۷
۱۳۷۶	۲۰۳ / ۹	۵۴
جمع	۸۶۸ / ۴	

مأخذ: آمار و اطلاعات اخذ شده از «گزارش‌های سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های فنی و اقتصادی ایران»

ج- دوره زمانی ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۱

طی برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی موضوع سرمایه‌گذاری خارجی و تسهیل شرایط انجام آن همچنان مورد توجه سیاست‌گذاران بوده است. هر چند که همانند سال‌های قبل تحول چشم‌گیری در آن صورت نپذیرفته است. مهم‌ترین شرکای سرمایه‌گذاری در ایران میان کشورهای سرمایه‌گذار طی سال‌های ۸۱-۸۷ به ترتیب عبارتند از آلمان با ۲۸۶ / ۳ میلیون دلار سرمایه‌گذاری، انگلستان با ۲۷۱ / ۲ میلیون دلار سرمایه‌گذاری و پس از آن کشورهای سوئیس و فرانسه به ترتیب با حجم سرمایه‌گذاری ۴۳ و ۹ میلیون دلار قرار داشته‌اند. بر این اساس مشاهده می‌شود که میزان سرمایه‌گذاری کشورهای شرق آسیا به ویژه کره جنوبی و ژاپن و هم‌چنین امارات متحده عربی که در دوره ۷۷-۱۳۷۲ در مراتب اولیه اهمیت قرار داشتند جایگاه خود را به کشورهای اروپا و به ویژه آلمان داده‌اند. البته در این ارتباط کشور کانادا با توجه به سرمایه‌گذاری یک میلیارد دلاری در معدن تفتان در ۱۳۷۸ این توازن را به هم زده و جایگاه اول را از آن خود ساخته است.

سهم سرمایه‌گذاری‌های خارجی طی سال‌های ۷۷-۱۳۷۲ در سرمایه‌گذاری کل کشور

سال	نسبت ۱ به ۲ به ۳ به ۳ به		سرمایه‌گذاری بخش		سرمایه نقدی و غیر نقدی	وارد شده
	درصد	درصد	خصوصی	کل		
۱۳۷۲	۰/۳۳	۰/۱۷	۱۰۶۸۶/۷	۲۰۶۵۷/۴	۳۵/۵	۱۳۷۲
۱۳۷۳	۱/۹۹	۱/۱۰	۱۶۵۰۳/۹	۲۹۸۵۳/۱	۳۲۸/۶	۱۳۷۳
۱۳۷۴	۱/۸۰	۱/۰۱	۴۴۱۵/۶	۴۳۶۳۴/۰	۴۳۹/۶	۱۳۷۴
۱۳۷۵	۰/۶۴	۰/۳۶	۳۶۲۶۶/۱	۶۳۳۱۰/۶	۲۳۱/۵	۱۳۷۵
۱۳۷۶	۰/۶۸	۰/۴۴	۵۲۲۶۳/۵	۸۲۰۳۵/۳	۳۵۶/۸	۱۳۷۶
۱۳۷۷	۰/۱۹	۰/۱۳	۶۶۶۴۵	۹۶۲۹۸/۶	۱۲۷/۶	۱۳۷۷
جمع	۰/۷۳	۰/۴۵	۲۰۶۷۸۰/۸	۳۳۵۷۸۹	۱۵۱۹/۷	

مأخذ: آمار و اطلاعات اخذ شده از «گزارش‌های سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های فنی و اقتصادی ایران»

سرمایه‌گذاری به تفکیکی کشورهای سرمایه‌گذار در طول دوره ۷۷-۱۳۷۲ ارقام: میلیارد ریال

ملیت سال	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	جمع	سهم از کل سرمایه‌گذاری (درصد)
آلمان	-	-	۱۴/۵۷	۶۱/۵۱	۳/۹۳	۳/۲۰	۸۳/۲۱	۹/۵۸
اسپانیا	-	-	-	۰/۴۹	-	۴/۱۸	۴/۶۷	۰/۵۴
انگلستان	-	-	-	۱۰/۵۰	-	-	۱۰/۵۰	۱/۲۱
ایتالیا	۱۹/۸	-	-	۲/۱۵	-	۶۰/۸۶	۸۲/۸۱	۹/۵۳
ایرلند جنوبی	-	-	-	-	۶۲/۰۰	۰/۰۴	۶۲/۰۴	۷/۱۴
بلژیک	-	-	-	۳۰	-	-	۳۰	۳/۴۵
دانمارک	-	-	-	۰/۲۰	۴/۵۵	-	۴/۷۵	۰/۵۵
سوئد	-	-	۶۲/۰۲	۱/۵۶	۲۷/۷۷	-	۹۱/۳۵	۱۰/۵۲
فرانسه	-	-	-	۲/۹۸	۶/۳۲	۱/۴۶	۱۰/۷۶	۱/۲۴
لوکزامبورگ	-	-	-	-	۷۶/۷۹	-	۷۶/۷۹	۸/۸۴
امارات متحده عربی	-	-	۱۰۰	-	-	-	۱۰۰	۱۱/۵۱
ترکیه	-	-	-	۳/۳۷	۱/۰۳	-	۴/۴	۰/۵۱
ژاپن	-	-	۷۲	-	-	-	۷۲	۸/۲۹
کره جنوبی	-	۱۸۴/۶	-	-	-	۳/۲	۱۸۷/۸	۲۱/۶۲
کویت	-	-	۱۷	-	-	-	۱۷	۱/۹۶
مالزی	-	-	-	-	۱۳/۲۲	-	۱۳/۲۳	۱/۵۲
کانادا	-	-	-	-	۵/۷۴	-	۶/۹۵	۰/۸۰
سایر	۰/۵۲	۲/۰۰	۲/۵۶	۲/۵۳	۲/۵۲	-	۱۰۸۴	۱/۱۷
جمع	۲۰/۳	۱۸۷/۸	۲۵۱/۲	۱۳۲/۳	۲۰۳/۹	۷۲/۹	۸۶۸/۴	۱۰۰

میزان ورود سرمایه‌های خارجی خصوصی به کشور طی سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۱ ارقام:

میلیارد ریال

سال	سرمایه‌گذاری خارجی	میزان رشد (درصد)
۱۳۷۸	۱۰۴۷ / ۱	۱۶۸
۱۳۷۹	۴۹۱ / ۱	-۵۳ / ۱
۱۳۸۰	۶۲۰ / ۹	۲۶ / ۴
۱۳۸۱	۵۲ / ۱	(-)

مأخذ: آمار و اطلاعات اخذ شده از «گزارش‌های سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های فنی و اقتصادی ایران»

سرمایه‌گذاری خارجی به تفکیک کشورهای سرمایه‌گذار طی سال‌های ۸۱-۱۳۷۸ ارقام:

میلیارد ریال

کشور سال	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱
آلمان	۵ / ۲	۶۱ / ۵	۲۸۶ / ۳	۱۴ / ۵
ترکیه	۲	-	-	۶ / ۹
فرانسه	۷ / ۵	۲ / ۷	۸ / ۴	-
چین و تایوان	۴ / ۱	-	-	-
لوکزامبورگ	-	۱ / ۵	۰ / ۲	۳ / ۱
ارمنستان	-	-	۱۹	-
سنگاپور	۱۶ / ۸	۱۲	-	-
جمهوری آذربایجان	-	۰ / ۸	-	-
دانمارک	-	۱ / ۲	-	-
رومانی	-	-	-	۱ / ۵
هندوستان	-	۰ / ۵۲	-	-
کانادا	۱۰۱۷ / ۵	۱ / ۲	-	-
سوئیس	-	۳۸ / ۵	۴۲ / ۵	-
ایتالیا	۱ / ۹	۳۱۷ / ۷	۱ / ۶	۲ / ۱
امارات متحده عربی	۵	۱ / ۶	۰ / ۱	-
بلژیک	-	۵۰	-	-
هلند	-	۲ / ۷	-	-
انگلستان	-	-	۳۷۱ / ۲	۴ / ۲
مالزی	-	-	۰ / ۶	۰ / ۴
افغانستان	۲ / ۳	-	-	-
اسلونی	۰ / ۱	-	-	-
اتریش	۰ / ۳	-	-	-
کره جنوبی	۱ / ۹	-	-	-
جمع	۱۰۴۷ / ۱	۴۹۱ / ۱	۶۲۰ / ۹	۵۲ / ۱

مأخذ: آمار و اطلاعات اخذ شده از «گزارش‌های سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های فنی و اقتصادی ایران»

توزیع سرمایه‌گذاری‌های خارجی به تفکیک صنایع مختلف طی سال‌های ۸۱ - ۱۳۷۸ ارقام:
میلیون دلار

صنعت	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	جمع
کشاورزی و شیلات	۱/۹۰۶	-	-	-	۱/۹
غذایی	۶	۳	۴۲/۸	-	۵۱/۸
نساجی و چرم	۲/۹	۲	-	۹/۴	۱۴/۳
سلولزی	۰/۷	-	-	-	۰/۷
شیمیایی	۹/۵	۵۱/۲	۲۴۴/۲	۱۹	۳۲۴
کانی غیر فلزی	۰/۶	۲۳/۳	۱/۴	۳/۴	۲۸/۷
فلزی	۴/۲	۳۶۲/۱	۲۲/۵	۵۶/۴	۴۴۵/۲
الکترونیک و الکترونیک	۶/۲	۱۲	۱۶/۱	۵/۱۲	۳۹/۴
خودرو سازی	۲/۶	-	۴۵/۵	۱۲/۷	۶۰/۸
حمل و نقل و ارتباطات	-	-	-	-	-
فعالیت‌های بخش معدن (استخراج و فرآوری)	۱۰۰۰	-	۲۲۵	۱۲۴۱/۸	
جمع					۲۲۴۷/۱

مأخذ: آمار و اطلاعات اخذ شده از «گزارش‌های سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های فنی و اقتصادی ایران»

توزیع سرمایه‌گذاری‌های خارجی به تفکیک بخش‌ها و زیربخش‌های مختلف اقتصادی در سال ۱۳۸۲ (هزار دلار)

بخش	زیر بخش	تعداد طرح	حجم سرمایه‌گذاری
معادن	اکتشاف و استخراج معادن (غیر از نفت و گاز)	۱	۸,۱۵۰
	جمع	۱	۸,۱۵۰
صنعت	صنایع مواد غذایی، آشامیدنی و دخانیات	۳	۷۹,۷۰۰
	صنایع نساجی، پوشاک و چرم	۲	۱۷,۴۶۵
	صنایع شیمیایی، فراورده‌های نفتی، لاستیک و پلاستیک	۸	۱۵۵,۹۷۵
	صنایع سلولزی (چوب و کاغذ) و چاپ و نشر	۲	۵,۷۰۵
	صنایع محصولات کانی غیر فلزی بجز نفت و ذغال سنگ	۱	۳,۲۵۰
	صنایع فلزات اساسی	۵	۳۰۱,۵۶۳
	صنایع ماشین‌آلات، تجهیزات و محصولات فلزی	۵	۸,۹۶۷
	صنایع الکتریکی، الکترونیکی و ساخت لوازم خانگی	۲	۵۴۵
	صنایع و تجهیزات حمل و نقل و خودروسازی	۱	۳۸۳,۰۰۰
	جمع	۲۹	۹۵۶,۱۷۰
آب، برق و گاز	تولید، انتقال و توزیع برق	۱	۳۲۰,۰۰۰
	جمع	۱	۳۲۰,۰۰۰
ساختمان	مصالح ساختمانی	۵	۴۱,۶۲۵
	ساختمان و مسکن	۱	۱۲,۵۰۰
	جمع	۶	۵۴,۱۲۵
خدمات	سایر خدمات (خدمات طراحی و مهندسی ...)	۱	۲,۰۰۰
	خدمات مالی	۱	۱۲,۵۰۰
	جمع	۲	۱۴,۵۰۰
سایر	---	۱	۴,۶۸۱
	جمع	۱	۴,۶۸۱
جمع کل		۴۰	۱,۳۵۷,۶۲۶

مأخذ: آمار و اطلاعات اخذ شده از «گزارش‌های سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های فنی و اقتصادی ایران»

توزیع سرمایه‌گذاری‌های خارجی به تفکیک بخش‌ها و زیربخش‌های مختلف اقتصادی در

سال ۱۳۸۳

بخش	زیر بخش	تعداد طرح	حجم سرمایه‌گذاری
صنعت	صنایع مواد غذایی، آشامیدنی و دخانیات	۲	۹۴,۰۶۰
	صنایع نساجی، پوشاک و چرم	۲	۶,۴۹۶
	صنایع شیمیایی، فرآورده‌های نفتی، لاستیک و پلاستیک	۸	۸۲,۴۵۹
	صنایع سلولزی (چوب و کاغذ) و چاپ و نشر	۲	۴,۶۲۵
	صنایع محصولات کانی غیر فلزی بجز نفت و ذغال سنگ	۱	۴,۰۰۰
	صنایع فلزات اساسی	۲	۱۲۵,۵۸۰
	صنایع ماشین آلات، تجهیزات و محصولات فلزی	۳	۳,۳۲۰
	صنایع و تجهیزات حمل و نقل و خودروسازی	۲	۲,۸۵۶
	جمع	۲۲	۳۳۳,۳۹۶
	آب، برق و گاز	تولید، انتقال و توزیع برق	۱
جمع		۱	۴۴۵,۰۰۰
ساختمان	مصالح ساختمانی	۱	۱۴۶,۰۰۰
	جمع	۱	۱۴۶,۰۰۰
حمل و نقل و	پست و مخابرات	۱	۴۶۲
	جمع	۱	۴۶۲
خدمات	سایر خدمات (خدمات طراحی و مهندسی ...)	۳	۵,۶۳۰
	گردشگری	۱	۱,۸۹۹,۰۰۰
	خدمات مالی	۱	۳,۴۰۰
	خدمات عمومی	۱	۱۱,۲۵۰
	جمع	۶	۱,۹۱۹,۲۸۰
جمع کل		۳۱	۲,۷۰۲,۷۳۸

مأخذ: آمار و اطلاعات اخذ شده از «گزارش‌های سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های فنی و اقتصادی ایران»

توزیع سرمایه‌گذاری‌های خارجی به تفکیک بخش‌ها و زیربخش‌های مختلف اقتصادی در

سال ۱۳۸۴

بخش	زیر بخش	تعداد طرح	حجم سرمایه‌گذاری
معدن	اکتشاف و استخراج معادن (غیر از نفت و گاز)	۲	۶۸۲,۱۵۰
	جمع	۲	۶۸۲,۱۵۰
صنعت	صنایع مواد غذایی، آشامیدنی و دخانیات	۵	۶۶,۵۱۹
	صنایع نساجی، پوشاک و چرم.	۲	۶۶۷
	صنایع شیمیایی، فرآورده‌های نفتی، لاستیک و پلاستیک	۱۰	۸۵۶,۴۴۲
	صنایع سلولزی (چوب و کاغذ) و چاپ و نشر	۱	۱,۲۳۰
	صنایع محصولات کانی غیر فلزی به جز نفت و ذغال سنگ	۱	۴۷,۷۰۰
	صنایع فلزات اساسی	۱	۹۸,۴۲۵
	صنایع ماشین‌آلات، تجهیزات و محصولات فلزی	۷	۵۰,۰۸۳
	صنایع الکتریکی، الکترونیکی و ساخت لوازم خانگی	۳	۳,۶۲۳
	صنایع و تجهیزات حمل و نقل و خودروسازی	۷	۱۱۲,۹۳۸
	جمع	۳۷	۱,۲۳۷,۶۲۷
ساختمان	مصالح ساختمانی	۷	۲۵,۰۱۵
	ساختمان و مسکن	۳	۶۵,۸۰۰
	جمع	۱۰	۹۰,۸۱۵
حمل و نقل و ارتباطات	پست و مخابرات	۱	۱,۵۲۵,۷۸۴
	خدمات پشتیبانی	۲	۵۷,۹۱۶
	جمع	۳	۱,۵۸۳,۷۰۰
خدمات	سایر خدمات (خدمات طراحی و مهندسی ...)	۱	۵۷
	گردشگری	۲	۱۷۲,۰۰۰
	خدمات مالی	۳	۱۶۸,۸۲۰
	خدمات عمومی	۱	۳۴۰,۰۰۰
	جمع	۷	۶۸۰,۸۷۷
جمع کل	۵۹	۱,۲۷۵,۱۶۹	

مأخذ: آمار و اطلاعات اخذ شده از «گزارش‌های سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های فنی و اقتصادی ایران»

توزیع سرمایه‌گذاری‌های خارجی به تفکیک بخش‌ها و زیربخش‌های مختلف اقتصادی در

سال ۱۳۸۵

بخش	زیر بخش	تعداد طرح	حجم سرمایه‌گذاری (هزار دلار)
کشاورزی	زراعت و باغداری	۱	۱۲,۳۲۹
	دام و طیور	۱	۲۳۵
	جمع	۲	۱۲,۵۶۴
معادن	اکتشاف و استخراج معادن (غیر از نفت و گاز)	۳	۱۴,۲۳۵
	جمع	۳	۱۴,۲۳۵
صنعت	صنایع مواد غذایی، آشامیدنی و دخانیات	۱۰	۴۵,۷۱۹
	صنایع نساجی، پوشاک و چرم	۴	۱,۴۲۲
	صنایع شیمیایی، فراورده‌های نفتی، لاستیک و پلاستیک	۱۲	۱,۴۹۸,۵۸۴
	صنایع سلولزی (چوب و کاغذ) و چاپ و نشر	۲	۲۸,۳۲۷
	صنایع محصولات کانی غیر فلزی بجز نفت و ذغال سنگ	۱	۹۲,۰۰۰
	صنایع فلزات اساسی	۴	۶,۹۶۳,۸۱۳
	صنایع ماشین‌آلات، تجهیزات و محصولات فلزی	۶	۷۷,۳۹۲
	صنایع الکتریکی، الکترونیکی و ساخت لوازم خانگی	۳	۲,۵۱۳
	صنایع و تجهیزات حمل و نقل و خودروسازی	۴	۵۱,۴۷۸
	بازیافت	۲	۸۷۴
آب، برق و گاز	جمع	۴۸	۸,۷۶۲,۱۲۲
	تولید، انتقال و توزیع برق	۲	۴۰۰,۴۰۴
	پالایش و توزیع گاز طبیعی	۱	۴۷۴,۴۳۰
ساختمان	جمع	۳	۸۷۴,۸۳۴
	مصالح ساختمانی	۵	۷۴,۵۹۶
	ساختمان و مسکن	۴	۳۳۱,۹۰۰
حمل و نقل و ارتباطات	جمع	۹	۴۰۶,۴۹۶
	خدمات پشتیبانی	۲	۱۲,۶۱۷
	حمل و نقل جاده‌ای	۱	۱,۰۰۰
	جمع	۳	۱۳,۶۱۷
	سایر خدمات (خدمات طراحی و مهندسی ...)	۲	۱۱,۹۹۶
خدمات	گردشگری	۲	۱۱۶,۹۲۰
	خدمات مالی	۷	۶۴,۹۱۸
	جمع	۱۱	۱۹۳,۸۳۴
سایر	---	۱	۱۲۰
	جمع	۱	۱۲۰
	جمع کل	۸۰	۱۰,۲۷۷,۸۲۲

مآخذ: آمار و اطلاعات اخذ شده از «گزارش‌های سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های فنی و اقتصادی ایران»

توزیع سرمایه‌گذاری‌های خارجی به تفکیک بخش‌ها و زیربخش‌های مختلف اقتصادی در

سال ۱۳۸۶

بخش	زیر بخش	تعداد طرح	حجم سرمایه‌گذاری
کشاورزی	زراعت و باغداری	۲	۴۹۶
	جمع	۲	۴۹۶
معادن	اکتشاف و استخراج معادن (غیر از نفت و گاز)	۲	۲۹۳,۲۵۷
	جمع	۲	۲۹۳,۲۵۷
صنع	صنایع مواد غذایی، آشامیدنی و دخانیات	۱۵	۵۵,۴۳۹
	صنایع نساجی، پوشاک و چرم	۱۳	۶,۲۴۳
	صنایع شیمیایی، فراورده‌های نفتی، لاستیک و پلاستیک	۱۶	۷,۲۹۱,۸۶۱
	صنایع سلولزی (چوب و کاغذ) و چاپ و نشر	۳	۵۹,۲۸۳
	صنایع محصولات کانی غیر فلزی بجز نفت و ذغال سن.	۲	۷,۷۳۰
	صنایع فلزات اساسی.	۷	۲۰۶,۲۸۱
	صنایع ماشین آلات، تجهیزات و محصولات فلزی	۵	۳,۸۵۲
	صنایع الکتریکی، الکترونیکی و ساخت لوازم خانگی	۳	۴,۲۴۴
	صنایع و تجهیزات حمل و نقل و خودروسازی	۴	۲۲,۵۲۷
	سایر	۱	۴۰۳
جمع	۶۹	۷,۶۵۷,۸۶۳	
آب، برق و گاز	پالایش و توزیع گاز طبیعی	۲	۳,۰۰۰,۰۰۰
	جمع	۲	۳,۰۰۰,۰۰۰
ساختمان	مصالح ساختمانی	۸	۱۰۹,۷۸۰
	ساختمان و مسکن	۳	۲,۵۴۳
	جمع	۱۱	۱۱۲,۳۲۳
حمل و نقل و ارتباطات	خدمات پشتیبانی	۱	۵,۴۴۶
	حمل و نقل جاده‌ای	۱	۸۵۰
	جمع	۲	۶,۲۹۶
خدمات	سایر خدمات (خدمات طراحی و مهندسی ...)	۳	۲,۲۷۰
	گردشگری	۴	۲۰۲,۶۲۵
	خدمات مالی	۷	۵۸۰,۴۶۰
	خدمات عمومی	۲	۲,۱۷۰
	جمع	۱۶	۷۸۷,۵۲۵
	جمع کل	۱۰۴	۱۱,۸۵۷,۷۶۰

مأخذ: آمار و اطلاعات اخذ شده از «گزارش‌های سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های فنی و اقتصادی ایران»

توزیع سرمایه‌گذاری‌های خارجی بر اساس توزیع جغرافیایی طی سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۸۶

منطقه/کشور	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶
اروپا	۲۳	۲۰	۳۲	۳۳	۳۵
آلمان	۵	۸	۱۰	۹	۶
اتریش	۱	۱	۱	۲	۲
اسپانیا	۱	۱	۱	۱	۱
اسلونی	۱	۱	۱	۱	۱
انگلیس	۲	۲	۱	۲	۲
ایتالیا	۳	۱	۲	۲	۲
بلژیک	۱	۱	۱	۲	۱
دانمارک	۸	۵	۴	۷	۱۱
ترکیه	۱	۱	۲	۲	۱
سوئیس	۲	۲	۷	۶	۷
فرانسه	۲	۲	۱	۲	۲
هلند	۲	۲	۱	۲	۲
قیبرس	۱	۱	۱	۱	۱
ایرلند جنوبی	۲	۲	۱	۱	۱
جزایر بریتانیا	۱	۱	۱	۱	۱
جزایر کایمن	۱	۱	۱	۱	۱
آمریکا	۱	۱	۱	۱	۱
پاناما	۱	۱	۱	۱	۱
ایالات متحده آمریکا	۱۳	۹	۲۰	۳۹	۵۹
آسیا	۱۳	۹	۲۰	۳۹	۵۹
افغانستان	۱	۱	۲	۱۰	۳۳
امارات متحده عربی	۲	۱	۴	۱۰	۵
عربستان سعودی	۱	۱	۲	۲	۱
جمهوری آذربایجان	۱	۱	۱	۱	۱
بحرین	۱	۱	۱	۱	۱
ایرانیان مقیم خارج از کشور	۲	۲	۱	۴	۱
ژاپن	۱	۱	۱	۲	۳
چین	۱	۱	۲	۲	۳
سنگاپور	۱	۱	۲	۲	۲
کره جنوبی	۱	۱	۱	۲	۱
کویت	۱	۱	۱	۲	۱
مالزی	۱	۱	۱	۳	۵
هندوستان	۵	۳	۵	۳	۵
پاکستان	۱	۱	۱	۱	۱
لبنان	۱	۱	۱	۱	۱
اردن	۱	۱	۱	۱	۱
عراق	۱	۱	۱	۱	۱
اندونزی	۱	۱	۱	۱	۱
عمان	۱	۱	۱	۱	۱
نیپال	۱	۱	۱	۱	۱
گرجستان	۱	۱	۱	۱	۱
آفریقا	۱	۱	۱	۱	۱
موریس	۱	۱	۱	۱	۱
آفریقای جنوبی	۱	۱	۱	۱	۱
لیبریا	۱	۱	۱	۱	۱
بین‌المللی	۱	۱	۱	۱	۱
چند تابعیتی	۲	۲	۴	۵	۴
جمع کل	۴۰	۳۱	۵۹	۸۰	۱۰۴

مأخذ: آمار و اطلاعات اخذ شده از «گزارش‌های سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های فنی و اقتصادی ایران»

توزیع سرمایه‌گذاری‌های خارجی بر اساس توزیع جغرافیایی طی سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۸۸

آمار سرمایه‌گذاری خارجی به تفکیک بخش و زیر بخش اقتصادی		
بخش	زیر بخش	
کشاورزی	زراعت	۱۳۸۷ ۷۸۲ / ۱۳۸۸ ۳۸
	دام و طیور	۱۳۸۷ ۱ و ۱۸۴ / ۱۳۸۸ ۲۸۰
جمع		۱۳۸۷ ۱،۹۶۶ / ۱۳۸۸ ۴۱۸
معادن	سایر معادن (اکتشافات و استخراج و فرآوری)	۱۳۸۷ ۱۶،۱۹۷ / ۱۳۸۸ ۸۶ و ۵۲۱
	نفت خام و گاز طبیعی (اکتشافات، استخراج و انتقال)	۱۳۸۷ ۷۰۴ و ۱۲۲ / ۱۳۸۸ ۰،۲۴ و ۸۹۹ و ۱
جمع		۱۳۸۷ ۹۰۱ و ۱۲۸ / ۱۳۸۸ ۵۵۵ و ۹۸۵ و ۱
صنعت	صنایع مواد غذایی، آشامیدنیو دخانیات	۱۳۸۷ ۳۲۸ و ۱۰۴ / ۱۳۸۸ ۲۷ و ۴۰۷
	صنایع نساجی، پوشاک و چرم	۱۳۸۷ ۶۸۵ و ۱ / ۱۳۸۸ ۵ و ۷۴۲
	صنایع شیمیایی، فرآورده‌های نفتی، لاستیک و پلاستیک.	۱۳۸۷ ۸۲۴ و ۱۶۲ / ۱۳۸۸ ۱۹۴ و ۳۲۸
	صنایع سلولزی (چوب و کاغذ) و چاپ نشر.	۱۳۸۷ ۴۴۳ و ۱۵ / ۱۳۸۸ ۲۹ و ۹۲
	صنایع محصولات کانی غیر فلزی بجز نفت و ذغال سنگ	۱۳۸۷ ۹۷۲ و ۳ / ۱۳۸۸ ۳ و ۹۷۲
	صنایع فلزات اساسی	۱۳۸۷ ۷۱۸ و ۷۱ / ۱۳۸۸ ۲۸۴ و ۸۴۹
	صنایع ماشین آلات، تجهیزات و محصولات فلزی	۱۳۸۷ ۵۳۴ و ۲ / ۱۳۸۸ ۳ و ۲۱۵
	صنایع الکترونیکی حمل و نقل و خودرو سازی	۱۳۸۷ ۶۵۸ / ۱۳۸۸ ۴ و ۸۰۶
	صنایع و تجهیزات حمل و نقل و خودرو سازی	۱۳۸۷ ۱۸۴ و ۱ / ۱۳۸۸ ۱۲ و ۳۳۵
	بازيافت	
	صنایع ابزار پزشکی، اپتیکی و ابزار دقیق	۱۳۸۷ - / ۱۳۸۸ -
	صنایع سیلیس و شیشه	۱۳۸۷ - / ۱۳۸۸ -
	سایر	۱۳۸۷ - / ۱۳۸۸ -
جمع		۱۳۸۷ ۴۸۴ و ۳۲۶۰ / ۱۳۸۸ ۵۶۵ و ۷۵۶
آب، برق و گاز.	تولید، انتقال و توزیع برق	۱۳۸۷ ۲۶۶ و ۴۵ / ۱۳۸۸ ۱۱۹ و ۰۰۲
	پالایش و توزیع گاز طبیعی	۱۳۸۷ - / ۱۳۸۸ -
جمع		۱۳۸۷ ۲۶۶ و ۴۵ / ۱۳۸۸ ۱۱۹ و ۰۰۲
ساختمان	مصالح ساختمانی	۱۳۸۷ ۹۰۳ و ۸ / ۱۳۸۸ ۴۲ و ۶۹۴
	ساختمان و مسکن	۱۳۸۷ ۴۰۳ و ۴ / ۱۳۸۸ ۷ و ۹۱۵
	جمع	۱۳۸۷ ۳۰۶ و ۱۳ / ۱۳۸۸ ۵۰ و ۶۰۹
حما و نقل و ارتباطات	پست و مخابرات	۱۳۸۷ ۹۱۳ و ۵۰ / ۱۳۸۸ -
	خدمات پشتیبانی	۱۳۸۷ ۵۲ / ۱۳۸۸ ۲ و ۵۴۲
	حمل و نقل جاده‌ای	۱۳۸۷ ۱۹۳ / ۱۳۸۸ ۱۶۰
	حمل و نقل آبی	۱۳۸۷ - / ۱۳۸۸ -
	حمل و نقل راه آهن	۱۳۸۷ - / ۱۳۸۸ -
جمع		۱۳۸۷ ۱۵۸ و ۵۱ / ۱۳۸۸ ۲ و ۷۰۲
خدمات	سایر خدمات (خدمات طراحی و مهندسی)	۱۳۸۷ ۰۵۵ و ۳۲ / ۱۳۸۸ ۳۴۱
	گردشگری	۱۳۸۷ ۰۰۵ و ۳۲ / ۱۳۸۸ ۹ و ۹۷۸
	خدمات مالی	۱۳۸۷ ۹۱۶ و ۴۵ / ۱۳۸۸ ۴ و ۰۲۵
	خدمات عمومی	۱۳۸۷ ۴۲۲ و ۳۳ / ۱۳۸۸ ۸ و ۴۰۸
جمع		۱۳۸۷ ۴۰۸ و ۱۲۲ / ۱۳۸۸ ۲۲ و ۷۵۲
جمع کل		۱۳۸۷ ۴۸۹ و ۷۳۳ / ۱۳۸۸ ۲ و ۷۴۶ و ۷۹۴

مأخذ: آمار و اطلاعات اخذ شده از «گزارش‌های سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های فنی و اقتصادی ایران»

توزیع سرمایه‌گذاری‌های خارجی بر اساس توزیع جغرافیایی از اول سال ۱۳۸۷ تا پایان ۱۳۸۸

منطقه / کشور	تعداد طرح	حجم سرمایه‌گذاری (هزار دلار)
اروپا	۶۴	۴,۱۴۳,۶۶۷
انگلستان	۱	۳,۳۰۷,۸۰۰
آلمان	۹	۳۵۰,۶۶۶
هلند	۵	۵۱,۲۳۷
اسپانیا	۱	۱,۲۴۳
ترکیه	۲۳	۱۹۷,۸۷۶
جزایر ویرجین انگلستان	۳	۱۴۳,۶۱۲
ایتالیا	۴	۷,۸۶۱
فرانسه	۸	۴۱,۱۷۳
بلژیک	۱	۱,۹۰۹
قبرس	۱	۱۱۲,۴۸۳
جزایر کایمن	۲	۱۶۹,۷۵۰
سوئیس	۳	۵۹,۹۶۰
لوکزامبورگ	-	-
ایرلند جنوبی	-	-
اتریش	۳	۱۳,۰۰۷
سوئد	-	-
دانمارک	-	-
اسلونی	-	-
رومانی	-	-
بوسنیو هرزگوین	-	-
یونان	-	-
آمریکا	-	-
کانادا	-	-
پاناما	-	-
ایالات متحده آمریکا	-	-
جامائیکا	-	-
آسیا	۷۲	۸۷۱,۲۳۴
امارات متحده عربی	۹	۲۵۲,۹۸۴
سنگاپور	-	-
کره جنوبی	۳	۲۹۲,۰۶۰
اندونزی	-	-
عمان	-	-
عربستان سعودی	۱	۶۵,۶۹۸
بحرین	-	-
ایرانیان مقیم خارج از کشور	۳	۱۲,۳۱۴
قرقیزستان	۱	۱۵۵,۳۴۴
کویت	۲	۲۳,۰۰۰
مالزی	-	-
هندوستان	۵	۵,۱۸۲

ادامه جدول

-	-	لبنان
۲۳,۳۴۵	۳۷	افغانستان
۸,۳۵۸	۲	چین
-	-	اردن
-	-	ارمنستان
۸,۴۹۵	۳	جمهوری آذربایجان
۱۰,۰۰۰	۱	قزاقستان
۷,۷۴۶	۱	گرجستان
۵,۸۲۸	۳	پاکستان
۸۸۰	۱	عراق
-	-	تایوان
-	-	ژاپن
-	-	نیپال
۳,۱۰۹,۶۱۷	۱	آفریقا
-	-	موریس
۳,۱۰۹,۶۱۷	۱	سیشل
-	-	آفریقای جنوبی
-	-	لیبریا
-	-	بین‌المللی
-	-	بین‌المللی
۳,۸۹۴	۳	چند تابعیتی
-	-	انگلستان - امارات متحده
-	-	سوئد - آلمان - انگلستان
-	-	امارت متحده عربی - سوئیس
-	-	سنگاپور - جزایر ویرجین
-	-	کانادا - جزایر باربادوس
-	-	هندوستان - ایرانی مقیم خارج
-	-	ایرلند - ترکیه
-	-	آلمان - اسپانیا
-	-	آلمان - ایرانی مقیم خارج
۲,۸۹۴	۱	کویت - ایرانی مقیم خارج
-	-	امارت متحده عربی - عربستان سعودی
۵۰۴	۱	افغانستان - روسیه
-	-	فررتسه - ایرلند
-	-	هندوستان - افغانستان
-	-	افغانستان - پاکستان
۴۹۶	۱	انگلستان - آلمان
-	-	ترکیه - ایرانی مقیم خارج
-	-	اقیانوسیه
-	-	استرالیا
۸,۱۲۸,۴۱۱	۱۴۰	جمع کل

نتیجه‌گیری

در این مقاله سعی شد رابطه سیاست خارجی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی با مطالعه موردی ایران مورد بررسی قرار گیرد. ضمناً سعی کردیم مشخص کنیم که در هر کدام از دوره‌ها میزان جذب سرمایه‌گذاری چقدر بوده و رابطه آن‌ها را با همدیگر بررسی کنیم. ما شاهد ورود منابع مالی در بالاترین حد خود در دوره زمانی سال‌های ۸۰-۸۴ هستیم که نشان دهنده آن است که سیاست خارجی دولت اصلاحات سید محمد خاتمی در زمان دولت هشتم که اقدام به تنش زدایی و همکاری سازنده با مجامع و سازمان‌های بین‌المللی را داشت اثرات مثبتی بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی در این دوره داشته است و در همین دوره نیز قانون جدید سرمایه‌گذاری خارجی به تصویب می‌رسد (سال ۱۳۸۱) و این خود فرضیه فوق را مجدداً تأیید کرده که اصلاحات داخلی همگام با سیاست خارجی تنش‌زدا می‌توانند در جذب سرمایه‌گذاری خارجی موثر باشند.

پیشنهادات و راه‌حل‌هایی برای ایفای نقش مطلوب دیپلماسی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی.

پرهیز از اتخاذ سیاست تنش‌زایی.

اتخاذ راهکارهای سیاست خارجی مبتنی بر روش‌های علمی و آکادمیک همراه با در نظر گرفتن الزامات و مناسبات داخلی و بین‌المللی.

برنامه‌ریزی در ابعاد مختلف سیاست خارجی کشور و تدوین برنامه و سند چشم‌انداز توسعه ملی بر اساس اهداف واقع‌گرایانه و پرهیز از اتکای صرف به مبانی ذهنی و آرمانی.

شناخت حد بازیگری در عرصه بین‌المللی بر مبنای امکانات، ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های کشور. اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی متناسب با شرایط سیاسی اجتماعی کشور و با در نظر گرفتن ترتیبات منطقه‌ای و مقتضیات بین‌المللی در چارچوب اصول واقع‌گرایانه.

حفظ اصول انقلاب و عقاید، باورهای و آرمان‌های جامعه با در نظر گرفتن مقتضیات زمانی، اجتماعی و بین‌المللی و تلفیق این دو در راستای دستیابی به برنامه‌های سیاسی، اقتصادی بر اساس مدلی تلفیقی از این دو مهم جهت رسیدن به توسعه اقتصادی و سیاسی که نیل به افزایش جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کشور را می‌توان نماد دستیابی به توسعه اقتصادی و سیاسی دانست.

انجام همکاری‌های بین‌المللی با نهادهای تخصصی ذیربط با موضوع سیاست خارجی و

سرمایه‌گذاری خارجی مانند وایپا، آنکتاد، میگا که بسیاری از این نهادهای اقتصادی زیرمجموعه نهادهای سیاسی همچون سازمان ملل می‌باشند.

انجام همکاری‌های گسترده سیاسی با کشورهای همجوار و اتحادیه‌های منطقه‌ای. اتخاذ تدابیر و سیاست‌های مناسب در جهت ارتقاء کلیه ابعاد موثر در شاخص امنیت کشور. معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری در ایران از طریق حضور موثر در صحنه‌های بین‌المللی. معرفی و نشان دادن چشم اندازی مثبت از وضعیت اقتصادی، سیاسی، امنیتی کشور از طریق حضور موثر در صحنه‌های بین‌المللی و حسن همکاری‌های مطلوب و دو جانبه. روان سازی روابط داخلی و بین‌المللی از طریق همکاری با مجامع اقتصادی، تشکل‌های حرفه‌ای جهانی و نهادهای آموزشی بین‌المللی.

از میان بردن ابهامات در زمینه‌های مختلف که منجر به دستیابی به جذب هرچه بیشتر سرمایه‌های خارجی گردد.

معرفی قوانین و مقررات سرمایه‌گذاری خارجی و تسهیلات قانونی که در این ارتباط می‌باشد به کشورهای سرمایه فرست و آژانس‌های تشویق سرمایه‌گذاری خارجی در جهان.

معرفی مشوق‌های موجود در ایران برای شرکت‌های چند ملیتی و سرمایه‌گذاران حقوقی و حقیقی خارجی از طریق روش‌های دیپلماتیک و تدوین شاخص‌های اثرگذار با توجه به وضعیت و سلائق جهانی.

معرفی مزایای و منافع سرمایه‌گذاری خارجی کشور برای افکار عمومی جهانی.

پرداختن به سرمایه‌گذاری خارجی از طریق نهادهای تخصصی معتبر و معروف جهت ایجاد انگیزش در سرمایه‌گذاران نسبت به حضور در عرصه اقتصادی کشورمان.

ارائه موانع و مشکلات در جامعه جهانی برای حضور و فعالیت سرمایه‌گذاران خارجی به مقامات مسئول به منظور رفع این موانع.

همکاری سازنده و مطلوب و ارتقاء سطح همکاری‌ها با کشورهایی که سرمایه‌گذاری خارجی در آن‌ها باعث دستیابی به پیشرفت‌های اقتصادی گردیده، جهت استفاده از تجارب آنان در این عرصه.

معرفی سرمایه‌گذاران خارجی موفق و شاغل در کشورمان به جامعه جهانی، مجامع حرفه‌ای و تخصصی برای تشویق سایر سرمایه‌گذاران به فعالیت در کشور به دست آمده است.

تلاش جهت همکاری با نهادهای تخصصی آموزشی بین‌المللی برای ارتقاء سطح کارشناسان شاغل در دستگاه‌های اجرایی مرتبط با موضوع سرمایه‌گذاری.

منابع

- آبراهامیان، اروند، ایران در فاصله دو انقلاب، تهران. نشر مرکز ۱۳۷۸.
- آلیسون، گراهام تی، شیوه‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، ترجمه منوچهر شجاعی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی. ۱۳۶۴
- ازغندی، علی رضا. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. نشر قومس. ۱۳۸۶
- بخشایشی اردستانی، احمد، اصول سیاست خارجی ج.ا. ایران، تهران: انتشارات آوای نور. ۱۳۷۵
- بوفر، آندره، مقدمه‌ای بر استراتژی، ترجمه مسعود کشاورز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی. ۱۳۶۶
- چگینی، احمد...مناطق آزاد. انتشارات فرهنگستان یادواره. ۱۳۷۸
- حاجیلی، معصومه، آذر، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، نشریه روند. ۱۳۸۴
- خوش وقت، محمدحسین، تجزیه و تحلیل تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، تهران: وزارت امور خارجه، موسسه چاپ و انتشارات. ۱۳۷۵
- سیف‌زاده، سیدحسین، نظریه پردازی در روابط بین‌الملل: مبانی و قالب‌های فکری، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت). ۱۳۷۶
- سیف‌زاده، سیدحسین، مبانی و مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی - تهران: وزارت امور خارجه، موسسه چاپ و انتشارات. ۱۳۷۵.
- فرانکل، جوزف، روابط بین‌الملل در جهان متغیر، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب. ۱۳۵۵
- قوام، سید عبدالعلی، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، قم، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت). ۱۳۷۵
- مشیرزاده، حمیرا، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، سازمان مطالعات و انتشارات کتب علوم انسانی (سمت)، چاپ اول، تهران. ۱۳۸۵
- حاجی یوسفی، امیرمحمد، «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: محدودیت‌ها، فرصت‌ها و فشارها»، فصلنامه سیاست خارجی، سال هفدهم، شماره چهار. ۱۳۸۲
- دهشیری، محمدرضا، «چرخه آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصل نامه سیاست خارجی، سال پانزدهم، شماره دو. ۱۳۸۰
- سریع‌القلم، محمود، «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: نقد نظری و طرح ائتلاف»، نشریه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، سال نهم، شماره سی و پنج، ۱۳۸۱
- معصومه حاجیلی. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران، اداره بررسی‌های اقتصادی وزارت اقتصاد و امور دارایی. ۱۳۸۰.
- احمد جمالی. کاربرد مدل تصمیم‌گیری فازی در انتخاب شیوه مناسب سرمایه‌گذاری خارجی در بخش نفت، محمود صارمی، فصلنامه پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۲

سید علی طباطبایی ثبات سیاسی و سرمایه گذاری خارجی، مرکز بررسی های
استراتژیک ریاست جمهوری فصلنامه برداشت اول ۱۳۸۱.

علیرضا رحیمی بروجردی. بررسی نظری و تجربی پیرامون تاثیر متغیرهای درون زا و برون زا بر فرار سرمایه و
سرمایه گذاری خارجی در ایران /-تهران: موسسه تحقیقات پولی، ۱۳۷۵ .

James Rosenau. Pre -Theory Revisited .World politics in an era of cascading
interdependence. International studies Quarterly.(September.1984).

M.Brecher.A framework for research on foreign policy behavior .Journal of con-
flict Resolution.1969.

k.j.Holsti. International Politics:A framework for analysis. Englewood Cliffs.
Prentice -Hall.1988.

<http://economists.ir>